


The role and position of BRICS-PLUS in the global economy and Iran's future opportunities

Mir abdollah Hosseini

Associate Professor in International economics, Department of Foreign Trade, Institute for Trade Studies and Research (ITSR), Tehran, Iran (Corresponding author).


Hosseini.mir2010@gmail.com

 0099-0004-5521-9226

Yahya Fathi

Assistant Professor in International economics, Department of Foreign Trade, Institute for Trade Studies and Research (ITSR), Tehran, Iran.


yahya.fathi@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Bahram Amirahmadian

Assistant Professor in Political Geography, department of Regional Studies, ECO Insurance Faculty, Allameh university, Tehran, Iran.

bahram1329@gmail.com

 0000-0001-8772-1625

Abstract

Participation in convergences and cooperation with emerging industrial economies in economic, investment and trade dimensions, can bring mutual economic and non-economic benefits to Iran. The present study seeks to answer these questions by using the theoretical framework of "regional convergences", what was the past performance of BRICS and how can the prospect of intra/extra-regional trade and economy of the BRICS be imagined and the situation of Iran in enjoying How can membership in BRICS be achieved? During the quarter century of the formation of BRICS, has the trade of the members of the group led to the creation of trade or the deviation of trade in the framework of convergence literature? To answer these questions, in the methodological aspect, the criteria of "homogeneity of economic indicators" and "degree of trade convergence" have been used. The study results show that the uniformity of per capita income of BRICS has improved significantly during the study period. Although the share of intra-group exports is still at a low level, the trend of this index is increasing after the formation of BRICS. Although there is an obvious convergence between the goals of the BRICS and Iran's foreign policy, and being logically placed next to the emerging powers can increase Iran's bargaining power in the arena of international relations, but it is necessary to benefit from economic benefits, remove sanctions and provide the necessary economic and trade infrastructure for establishing economic interactions is desirable.

Keywords: World Economy, Economic Homogeneity, Trade Intensity, BRICS-PLUS, Iran.

JEL Classification: F55, F53, F15, F13

نقش و جایگاه بریکس - پلاس BRICS-PLUS در اقتصاد جهانی و فرصت‌های پیش‌روی ایران^۱

میر عبدالله حسینی

دانشیار اقتصاد بین‌الملل و عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).

Hosseini.mir2010@gmail.com

0099-0004-5521-9226

یحیی فتحی

استادیار اقتصاد بین‌الملل و عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ایران.
yahya.fathi@gmail.com

0000-0000-0000-0000

بهرام امیراحمدیان

استادیار جغرافیای سیاسی عضو هیأت علمی گروه مطالعات منطقه‌ای مؤسسه بیمه اکو دانشگاه
علامه، تهران، ایران.

bahram1329@gmail.com

0000-0001-8772-1625

چکیده

مشارکت در همگرایی‌ها و همکاری با اقتصادهای صنعتی نوظهور در ابعاد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تجارت، با توجه به رشد پُرشتاب و نقش‌آفرینی این کشورها در تعاملات جهانی، می‌تواند منافع اقتصادی و غیراقتصادی متقابلی را برای ایران، به‌عنوان عضو جدید گروه بریکس - پلاس، به ارمغان آورد. مطالعه حاضر در پی آن است تا در چهارچوب «منطقه‌گرایی جدید» در پاسخ به این پرسش‌ها که عملکرد گذشته بریکس چگونه بوده و دورنمای اقتصاد و تجارت درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گروه بریکس - پلاس به چه صورت قابل تصور است و اینکه وضعیت ایران در برخورداری از عضویت در بریکس چگونه می‌تواند رقم بخورد؟ طی ربع قرن شکل‌گیری بریکس، تجارت اعضای گروه در چهارچوب نظری منطقه‌گرایی، منجر به ایجاد تجارت یا انحراف تجارت در پی داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، در بُعد روشی این مقاله از معیارهای «همگنی شاخص‌های اقتصادی» و «درجه همگرایی تجارت» استفاده شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد، همگونی و تجانس تولید و درآمد سرانه کشورهای بریکس طی دوره مطالعه به‌طور معناداری بهبود یافته است. هرچند سهم صادرات درون گروهی بریکس هنوز در سطح نازلی است، لیکن روند این شاخص‌ها بعد از شکل‌گیری بریکس روبه فزونی است. افزایش شاخص شدت صادرات ایران با بریکس (عمدتاً چین) نه تنها با تغییرات در صادرات جهانی ایران همسو نبوده، بلکه منجر به کاهش

۱. این مقاله برگرفته با اضافات از گزارش پژوهشی است که با عنوان «امکان‌سنجی توسعه همکاری و تجارت ایران با بریکس - پلاس» در گروه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی خارجی پژوهشکده توسعه بازرگانی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در نیمه نخست سال ۱۴۰۳ به انجام رسیده است.

سهام ایران از صادرات جهانی شده است (انحراف تجارت). اگرچه همگرایی مشهودی میان اهداف گروه بریکس و سیاست خارجی ایران وجود دارد و منطقاً قرار گرفتن در کنار قدرت‌های نوظهور، می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایران در صحنه روابط بین‌المللی را افزایش دهد، اما لازمه بهره‌مندی از منافع اقتصادی، رفع تحریم‌ها و فراهم‌شدن زیرساخت‌های لازم اقتصادی و تجاری برای تعاملات اقتصادی مطلوب است. گفتنی است ایران به‌دلیل انزوا از غرب، به‌ویژه از ایالات‌متحده، سیاست‌هایی را با اهداف کاهش تحریم‌های اقتصادی، تمرکز بر دستیابی به خودکفایی، سیاست جایگزینی و تغییر جهت به‌سمت کشورهای شرقی برای اطمینان از تاب‌آوری اجرا کرده است. ایران با وجود تحریم‌ها، ثبات اقتصادی نسبی را حفظ کرده است، اما به‌دلیل محدودشدن سرمایه‌گذاری‌های جدید، با خطرهای دورافتادن از صنعت و پیری زیرساخت‌ها مواجه است. ایران با مشارکت در همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه، تقویت روابط با چین و روسیه، و پیوستن به بلوک‌بندی‌های نظیر بریکس با هدف جذب سرمایه‌گذاری تشکیل اتحادهای جدید و مقابله با تحریم‌ها از طریق ابتکارهای مشترک با چین و روسیه و تلاش برای دلارزدایی و توسعه نظام‌های مالی جایگزین توانسته به منطقه‌گرایی جدید دست یابد. منطقه‌گرایی جدید با رویکرد منعطف و چندوجهی برای خنثی‌سازی آثار منفی تحریم‌ها و انزوای دیپلماتیکی با بهره‌گیری از مزایای همکاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، اجتناب‌ناپذیر است. با بریکس - پلاس، افزایش صادرات نفت به کشورهای عضو به‌خصوص چین، جذب سرمایه‌گذاری، افزایش گردشگری و کاهش هزینه‌های زنجیره تأمین برای ایران امکان‌پذیرتر شده است. بریکس فرصت‌های بیشتری را برای ایران فراهم می‌کند تا سبد ارزی را متنوع سازد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری، جایگاه اقتصاد جهانی، BRICS-PLUS، ایران.
طبقه‌بندی JEL: F55, F53, F15, F13

شاپای الکترونیک: ۶۵۶۸-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبرد اقتصادی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

از مشخصه‌های مهم فرایند جهانی‌شدن، پیدایش قدرت‌های صنعتی نوظهور و گرایش این کشورها برای حضور پررنگ در این فرایند است. اقتصادهای صنعتی نوظهور با توجه به رشدهای اقتصادی بالا و نفوذی که در عرصه روابط بین‌الملل پیدا کرده‌اند نقش تعیین‌کننده‌ای در مناسبات بین‌المللی ایفا می‌کنند. در این راستا رهبران تعدادی از کشورهای صنعتی نوظهور شامل برزیل، روسیه، هند و چین در حاشیه اجلاس گروه جی ۸ در جولای ۲۰۰۶، در روسیه با یکدیگر ملاقات کردند. اندکی پس از آن، گروه بریک «BRIC» (برگرفته از حرف اول نام برزیل، روسیه، هند و چین)، در اولین اجلاس وزرای خارجه گروه که در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک تشکیل شد، در سپتامبر ۲۰۰۶ رسمیت یافت و اولین اجلاس سران در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ در روسیه برگزار شد. اعضا، کشورها را به نظم جهانی که دموکراتیک، چندقطبی و مبتنی بر قواعد بین‌المللی، مسئولیت‌پذیری، همکاری، عملکرد هماهنگ و تصمیمات مشترک به نفع ملت‌ها باشد، فرا خواندند. در سپتامبر ۲۰۱۰، در نشست وزرای خارجه در نیویورک، پس از پذیرش آفریقای جنوبی به عضویت کامل، این گروه به بریکس «BRICS» تغییر نام داد. گروه بریکس که از آن به‌عنوان «گروه ۵» نیز یاد می‌شد، بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان، یک‌چهارم تولید ناخالص داخلی جهانی و ۲۰ درصد سهم تجارت جهانی را به خود اختصاص داده است. طی دو دهه گذشته متوسط رشد اقتصادی گروه بریکس نسبت به گروه هفت کشور صنعتی جهان بالاتر بوده است. روند تحولات اقتصادی - صنعتی این کشورها نشان می‌دهد که اساس حرکت و زیربنای فکری شکل‌گیری این گروه به‌عنوان یک تشکل نوظهور به‌منظور نقش‌آفرینی در دنیای چندقطبی آینده و به چالش کشاندن نظم کنونی حاکم بر نظام بین‌الملل است. مسایل اقتصادی، نظیر امور بانکی، انرژی، حمل‌ونقل، مخابرات و اجتماعی و نیروی کار مهم‌ترین موضوعات اقتصادی مورد توجه این گروه بوده است.

هریک از اعضای بریکس در یکی از حوزه‌های سیاسی یا اقتصادی در منطقه جغرافیایی خود بازیگری عمده به‌شمار می‌آیند، بنابراین از حیث ماهیت وجودی می‌توان مدعی شد این گروه با پوشش دادن مناطقی چون اوراسیا (روسیه)، آسیا (چین و هند)، آفریقا (آفریقای جنوبی) و آمریکای لاتین (برزیل) از ابعاد جهانی و بین‌المللی برخوردار است. از منظر سیاسی اجتماعی باید در نظر داشت که دو غول جمعیتی دنیا یعنی چین و هند در بریکس عضویت دارند و با احتساب جمعیت روسیه، برزیل و

آفریقای جنوبی، این گروه بالغ بر ۳,۲ میلیارد نفر از جمعیت جهان را دربرمی‌گیرد. حضور دائمی دو عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد در گروه بریکس نشان‌دهنده نقش و تأثیرگذاری این گروه در معادلات جهانی و بین‌المللی است. در واقع رشد روز افزون اقتصادی در کنار تأثیر سیاسی گروه می‌تواند بریکس را به رقیبی برای جهان توسعه یافته صنعتی با محوریت بلوک آمریکای شمالی (ایالات متحده آمریکا) و اتحادیه اروپا تبدیل کند.

جدول (۱): سیر تاریخی ایجاد و توسعه بریکس و بریکس - پلاس در ربع قرن گذشته

تاریخ	رویداد
۲۰۰۱	ایده شکل‌گیری گروهی به نام بریک، در سال ۲۰۰۱ توسط مؤسسه سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس، به‌منظور پیش‌بینی وضعیت اقتصادی جهان و قدرت‌های برتر آن در نیم قرن آینده مطرح گردید. جیم اونیل اولین بار نام مخفف این گروه را در سر تیتیر یک روزنامه اقتصادی به کار برد.
۲۰۰۶	برای نخستین بار وزیران خارجه چین، هند، برزیل و روسیه در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۶ با هم دیدار کردند.
۲۰۰۹	نخستین اجلاس بریکس در یکتاترینبورگ روسیه برگزار شد.
۲۰۱۱	آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۱ به عضویت بریک در آمد و گروه بریکس را تشکیل داد.
۲۰۱۳	در پنجمین اجلاس بریکس در دوربان آفریقای جنوبی، کشورهای عضو به‌طور رسمی تصمیم بانک توسعه جدید را اعلام کردند.
۲۰۱۴	در این سال بانک توسعه جدید با هدف اولیه تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی و توسعه پایدار در بریکس و سایر اقتصادهای نوظهور تأسیس شد.
۲۰۲۰	در اجلاس ۲۰۲۰ مسکو راهبرد همکاری اقتصادی این گروه به تصویب اعضا رسیده است. سه بسته به شرح زیر معرفی گردید: الف) بسته تجارت، سرمایه‌گذاری، فاینانس مرتبط با موضوع شرکت‌های کوچک و متوسط؛ ب) بسته «اقتصاد دیجیتال» مرتبط با موضوع‌هایی نظیر تحول دیجیتال، صنعت و نوآوری؛ ج) بسته «توسعه پایدار» در موضوع‌هایی نظیر امنیت غذایی و توسعه منابع انسانی.
۲۰۲۱	نقشه اجرایی سه بسته مذکور در دهلی نو به تصویب اعضا رسیده است.
۲۰۲۳	در سپتامبر ۲۰۲۳ از ۶ کشور ایران، آرژانتین، عربستان، مصر، امارات و اتیوپی برای عضویت دایم در بریکس دعوت گردید.
۲۰۲۴	۵ کشور (به‌جز آرژانتین) از ۶ کشور دعوت شده، از اول ژانویه ۲۰۲۴ به عضویت بریکس در آمدند.

منبع: (رصد خبرگزاری‌های رسمی)

محورهای کلی مورد اهمیت برای گروه بریکس را در موارد زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

(۱) افزایش مبادلات تجاری بین اعضاء و در نتیجه تقلیل وابستگی اقتصادی به اروپا و آمریکا؛

(۲) تشکیل بانک توسعه و ذخیره ارزی مشترک در برابر نهادهایی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول؛

(۳) ایجاد روابط جنوب - جنوب؛

(۴) استفاده از پتانسیل کشورهای در حال توسعه برای تغییر مناسبات اقتصاد جهانی و عادلانه‌تر کردن آن؛

(۵) ایفای نقش مؤثر در کمک‌کردن به کشورهای در حال ورشکستگی؛

(۶) تأثیرگذاری مثبت بر بحران‌های سیاسی یا اقتصادی مهم جهانی.

موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد ایران و ظرفیت‌های آن در حوزه‌های انرژی، ترانزیت و تجارت باعث شده است تا اعضای بریکس توجه ویژه‌ای به ایران به‌عنوان مسیری برای اتصال شرق به غرب داشته باشند. در ۲۴ آگوست ۲۰۲۳ ایران و ۵ کشور آرژانتین، مصر، اتیوپی، عربستان و امارات، برای عضویت در این گروه دعوت شدند که ۵ کشور (به‌جز آرژانتین) از ابتدای سال ۲۰۲۴ رسماً به این بلوک پیوستند. گروه بریکس در حال حاضر (فوریه ۲۰۲۴)، ۱۰ عضو دارد. به عبارت دیگر، گروه بریکس علاوه بر ۵ عضو اصلی (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی)، ۵ عضو جدید (آرژانتین، رئیس‌جمهور جدید، مانع از عضویت شد)، مصر، اتیوپی، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی) را نیز از ابتدای سال ۲۰۲۴، به جمع خود پذیرفته است. لذا در این مقاله با عضویت این کشورها در بریکس، از این گروه با عنوان «بریکس - پلاس» یاد شده است. پیوستن ایران به بریکس، که هدف اصلی آن ایفای نقش سازنده‌تر در تعاملات بین‌المللی است، می‌تواند فرصت‌های قابل توجهی را فراروی دیپلماسی اقتصادی ایران قرار دهد.

این مقاله نقش و جایگاه بریکس - پلاس در اقتصاد جهانی و فرصت‌های پیش‌روی ایران را مورد تبیین و تحلیل می‌نماید. هدف از مطالعه حاضر، پاسخ به این پرسش‌ها است: نقش و جایگاه بریکس - پلاس در سیر تحولات اقتصاد جهانی از ابعاد و جنبه‌های مختلف اقتصاد بین‌الملل از جمله جریان تجارت، سرمایه‌گذاری و اقتصاد جهانی کجاست؟ شکلگیری بریکس در ایجاد منافع پویای اقتصادی، تجاری و

سرمایه‌گذاری توانسته سهم معنی‌داری داشته باشد؟ تجارت درون منطقه‌ای اعضای گروه بریکس طی دوره بلندمدت ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ چه سمت‌وسویی داشته است؟ آیا این بلوک از جنبه درجه همگرایی اقتصادی، موفق ارزیابی می‌شود؟ و اینکه پس از نزدیک ربع قرن تجربه تعامل و همکاری اقتصادی و سیاسی، آیا تغییر و تحولات تجاری در این گروه ناشی از اثر ایجاد تجارت بوده است یا انحراف تجارت؟ نهایتاً این که عضویت ایران در بریکس چه فرصت‌های اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری پیش‌روی ایران قرار می‌دهد؟ در این خصوص در چهارچوب نظریه منطقه‌گرایی و یکپارچگی اقتصادی، مجموعه معیارها از جمله دو معیار عمده «همگونی شاخص‌های اقتصادبین‌الملل» و «درجه همگرایی تجاری» در بریکس طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. چهارچوب نظری منطقه‌گرایی جدید

هم‌پیوندی (یکپارچگی) اقتصادی^۱ نوعی سیاست تجاری است که باعث کاهش یا حذف محدودیت‌های تجاری تبعیض‌آمیز میان کشورهای عضو می‌شود. هم‌پیوندی اقتصادی دارای سطوح مختلفی از موافقتنامه تجارت ترجیحی تا تجارت آزاد، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و اتحادیه اقتصادی است.^۲ در حالت موافقت‌نامه تجارت ترجیحی، محدودیت‌های تجاری فقط بین اعضاء کاهش می‌یابد. در تجارت آزاد، تمام محدودیت‌های تجاری بین اعضاء حذف می‌شود ولی هر کشور عضو، محدودیت‌ها و موانع خاص خود را با سایر کشورهای غیرعضو اعمال می‌کند. در اتحادیه گمرکی اعضاء، سیاست تجاری مشترک و یکسانی را نسبت به سایر کشورهای غیرعضو اعمال می‌کنند. بازار مشترک، علاوه بر حفظ تمام شرایط اتحادیه گمرکی، تحرک کامل و آزادانه عوامل تولید مانند نیروی کار و سرمایه بین کشورهای عضو را مجاز و امکان‌پذیر می‌سازد. در یک اتحادیه اقتصادی (کامل) کشورهای عضو، سیاست‌های پولی و مالی یکسانی را به کار می‌برند. آثار تعادل جزئی و ایستای اتحادیه‌های گمرکی را می‌توان بر حسب ایجاد (خلق) تجارت و یا انحراف تجارت^۳ اندازه‌گیری کرد. خلق تجارت زمانی به وجود می‌آید که واردات ارزان‌تر و با هزینه کمتر یک کشور عضو، جانشین برخی تولیدات داخلی گران‌کشوری دیگر می‌شود. این

1. Economic Integration

2. Preferential Trade Arrangements (PTAs), Free Trade Area (FTA), Customs Union (CU), Common Market (CM), Economic Union (EU) and Bilateral Arrangements (BAs)

3. Trade Creation (TC) and Trade Diversion (TD)

جابه‌جایی درون اتحادیه باعث افزایش تخصص در تولید و افزایش رفاه کشورهای عضو می‌شود. علاوه بر این، اتحادیه مولد تجارت^۱ می‌تواند باعث افزایش رفاه سایر غیراعضاء نیز بشود؛ چراکه افزایش درآمد حقیقی اعضاء به‌سوی توسعه جریان مبادلات تجاری از غیراعضاء حرکت می‌کند. انحراف تجارت زمانی به‌وجود می‌آید که واردات گران‌تر و با هزینه بیشتر اعضاء جانشین واردات ارزان‌تر و با هزینه کمتر غیراعضاء شود. این مسئله باعث کاهش رفاه می‌شود؛ چراکه تولید را از مسیر مزیت نسبی دور می‌کند. اتحادیه منحرف‌کننده تجارت ممکن است با توجه به افزایش یا کاهش رفاه باعث خلق تجارت و یا انحراف تجارت شود، نتیجه نهایی بستگی به قدرت نسبی براین دو نیروی مخالف هم دارد. تجارت آزاد موجب استفاده بهینه از منابع جهانی و بیشینه شدن تولید و رفاه جهانی می‌شود. بنابراین با توجه به پژوهش واینر در مورد اتحادیه گمرکی (۱۹۵۰)، می‌توان نتیجه گرفت که وی معتقد بود هر حرکت به‌سمت تجارت آزادتر باعث افزایش رفاه می‌شود. با این فرض که اتحادیه گمرکی باعث افزایش موانع تجاری علیه سایر کشورها نمی‌شوند، حذف موانع تجاری میان اعضای یک اتحادیه مبین حرکت به‌سمت تجارت آزادتر است. در چنین وضعیتی واینر معتقد بود که افزایش رفاه اعضاء و غیراعضاء شبیه هم خواهد بود. هرچند مطالعه واینر با اندکی ابهام آغاز شد ولی در ادامه در سال ۱۹۵۵ جیمز مید نظریه بهینه دوم را به‌طور کامل گسترش داد و در سال ۱۹۵۷ لپسی و لنکستر^۲ تحت یک قاعده عمومی ارایه شد. به‌هر حال، واینر نشان داد نظریه اتحادیه گمرکی حالتی خاص از نظریه بهینه دوم^۳ است. بر اساس این نظریه وقتی تمام شرایط ضروری برای رسیدن به حداکثر رفاه اجتماعی یا بهینه پارتو فراهم نباشد، تلاش جهت تأمین این شرایط تا حد امکان لزوماً یا معمولاً منجر به وضعیت رفاه بهینه دوم نخواهد شد؛ یعنی در صورت نبود شرایط لازم برای رسیدن به بهینه پارتو، دومین انتخاب لزوماً انتخابی نیست که با شرایط موجود مطلوب‌ترین انتخاب باشد. شرایطی که تحت آن شرایط یک اتحادیه تشکیل می‌شود به احتمال زیاد از نظر تئوریک منجر به ایجاد تجارت و افزایش رفاه خواهد شد.

نظریه‌ها و بحث‌های موافق و مخالف فراوانی در رابطه با نقش ترتیبات منطقه‌ای ابراز شده است. اقتصاددان کانادایی، واینر^۴، که یکی از پیش‌تازان توسعه نظریه

1. Trade-Creating Customs Union (TCCU) and Trade Diverting Customs Union (TDCU)

2. Lipsey and Lancaster

3. Theory of the second best

4. Jacob Viner, 1950

اتحادیه گمرکی در سال ۱۹۵۰ بود، به اثر تولیدی خلق تجارت تأکید داشت و اثر مصرفی را نادیده گرفت. مید^۱ نظریه اتحادیه گمرکی را در سال ۱۹۵۵ تکمیل کرد و اولین فردی بود که اثر مصرفی خلق تجارت را مورد توجه قرار داد. در ادامه جانسون^۲ دو اثر رفاهی پیش گفته را برای محاسبه منافع رفاهی کل ناشی از اتحادیه‌های گمرکی معرفی کرد. واینر، در مقاله باعنوان «موضوع اتحادیه گمرکی»^۳ نگرانی در مورد این ترتیب تجاری بیان داشته است. وی می نویسد که وقتی دو کشور بر اساس توافق، تعرفه‌ها را در مورد کالاهای یکدیگر حذف می‌کنند اما همین تعرفه‌ها را برای کالاهایی که از کشورهای ثالث وارد می‌شود حفظ می‌کنند، منجر به بهبود سوددهی مبادله برای تاجران دو کشور می‌شود؛ زیرا هر دو کشور محصولات همسایگان مورد توافق (عضو) را که قادر به تولید ارزان تر هستند، وارد می‌کنند. اما باید توجه داشت که در این حالت، تجارت منحرف می‌شود؛ زیرا اکنون دو کشور، کالاهایی از یکدیگر می‌خرند که سابق بر این، از سایر کشورهایی که در تولید آنها کارا تر بودند، وارد می‌کردند. پیام صریح واینر این است که، ترتیب تجاری ترجیحی با تبعیض در آزادسازی تجاری به تجارت اعضای خود و رفاه جهانی آسیب وارد می‌کند (Viner, 1950). نظریه واینر توسط برخی از اقتصاددانان معاصر مورد انتقاد قرار گرفته است. در مقابل این نظریه، نظریه «شرکای تجاری طبیعی»^۴ مطرح می‌شود. بر این اساس، اگرچه تجارت بر مبنای مزیت نسبی استوار است، ولی تحت تأثیر مسائلی از قبیل وضعیت جغرافیایی قرار دارد و حذف فاصله، هزینه حمل و نقل را کاهش می‌دهد. همسایگان در چنین مناطقی در گستره وسیعی با یکدیگر به داد و ستد می‌پردازند و در این شرایط، انحراف تجاری اندک خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۶؛ Krugman & Lutz, 1991). این نظریه به‌طور تجربی در مناطق جغرافیایی جهان به ویژه در اروپا و آمریکای شمالی تأیید شده است. نظریه‌های اخیر مورد بحث اقتصاددانان از جمله جاگدیش باگواتی اقتصاددان هندی تبار آمریکایی قرار گرفته است. باگواتی یادآوری می‌نماید که اقتصاددانان پیش گفته، آثار ترتیبات تجاری منطقه‌ای را به‌صورت ایستا در نظر می‌گیرند و اثرات پویای این ترتیبات را که با در نظر گرفتن عامل زمان در تسریع و یا کاهش موانع تجاری در تجارت جهانی سنجیده می‌شود، لحاظ نمی‌کنند. باگواتی دو مفهوم بلوک‌های بازراننده و سازنده را

1. Mead, 1955

2. Johnson, 1965.

3. The Customs Union Issue

4. Natural Trading Partners (NTP)

مطرح می‌کند که به دو مفهوم انحراف تجارت و ایجاد تجارت^۱ که توسط واینر مطرح شده بود، نزدیک است (Bhagwati, 1996). مسئله انحراف تجارت و یا بازدارنده بودن ترتیبات در رشد تجارت ملل، به سادگی قابل اندازه‌گیری نیست و بدین لحاظ، به اهداف و اصول تشکیل بلوک‌ها باید توجه بیشتری معطوف شود.

برخلاف منطقه‌گرایی سنتی مرسوم و رایج، که بر روابط منطقه‌ای رسمی و همکاری‌ها بر پایه هم‌جواری و مزیت جغرافیایی، همکاری و مشارکت اقتصادی، علایق امنیتی و بلوک‌بندی منطقه‌ای نظیر اتحادیه اروپا تأکید می‌شود، منطقه‌گرایی جدید پویا، چندبُعدی و کمتر رسمی است. در رویکرد منطقه‌گرایی جدید بر چندقطبی‌گرایی و جهان‌گرایی و فراتر از چهارچوب‌های سازمانی تأکید می‌شود. در منطقه‌گرایی جدید، به جنبه‌های غیررسمی و همکاری‌های منطقه‌ای توافق نشده رسمیت داده می‌شود. این نگرش و رویکرد جدید را اقتصاددانانی نظیر سودرنام برجسته کردند. از این دیدگاه، مناطق حکم جوامعی را دارند که در آن ایده‌ها و هنجارها بیش از موجودیت‌های ثابت بنا نهاده می‌شود (Söderbaum, 2003). بلوک‌های نظیر بریکس، اسکو و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مواجهه با بحران‌ها، مشروعیت و ماهیت چندجانبه‌ای را به رسمیت می‌شناسند. در منطقه‌گرایی جدید از استقلال ملی در چهارچوب همکاری‌های منطقه‌ای حمایت می‌شود. استقلال مالی در تضاد با دیدگاه‌های سنتی قرار می‌گیرد؛ مفهومی که اسپاندلر و سودرنام از آن با عنوان منطقه‌گرایی خودمختار محور یاد می‌کنند (Spandler & Söderbaum, 2023). چنین چهارچوبی برای درک راهبرد ایران در عضویت نهادهای منطقه‌ای سه‌گانه پیش‌گفته عاملی حیاتی است. چنین نهادهایی برای استقلال و ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای با توجه به استقلال ملی اعتبار قابل هستند.

بریکس و اسکو^۲ را به‌طور مشخص چین و روسیه بنیان نهادند. برای چین، علاوه بر علاوه بر عضویت ایران در بریکس، اعضای جدیدی مانند مصر، اتیوپی، امارات متحده عربی، عربستان سعودی به‌لحاظ راهبردی مهم‌اند. ایران و عربستان بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان نفت چین هستند و در مسیر کاهش وابستگی به پتrodلار نقش کلیدی دارند. اتیوپی در دستیابی چین به آفریقا اهمیت دارند. بریکس و اسکو معرف تغییر جهت به‌سمت جهان چندقطبی هستند. این مسیر برای کشورها امکان رشد و توسعه را با حضور و تأثیر بیشتر بر مؤسسات مالی بین‌المللی فراهم می‌کند. این

1. Trade Diversion (TD) and Trade Creation (TC)

2. Shanghai Cooperation Organization (SCO)

تغییر در پاسخ به تسلط آشکار نهادهای غربی و حرکت به سمت نظام جهانی متعادل تر و با شمول بیشتر است. منطقه‌گرایی جدید و چندقطبی‌گرایی جنبه‌های به هم پیوسته‌ای است از چشم‌انداز جهان در حال تحول؛ هر دو نشانه پایان جهان چندقطبی است. چندقطبی‌گرایی توزیع متوازن تری از قدرت را در میان دولت‌ها و بلوک‌های مختلف در برمی‌گیرد و قدرت در میان قدرت‌های متوسط توزیع می‌شود و نظم جهانی در حال ظهور را شکل می‌دهد، حتی اگر این توزیع قدرت را بیشتر چندقطبی‌گرایی نامتوازن قلمداد کرد. در این نظام چندقطبی در حال ظهور، همسویی چین و روسیه در به چالش کشیدن سلطه ایالات متحده و جذب متحدان جدید از طریق بریکس و اسکو محتمل است. بر مبنای نظریه توازن قدرت، چنانچه یک قدرت بیش از حد مسلط شود، دولت‌های دیگر برای مقابله با آن متحد می‌شوند. جنوب جهانی، با جمعیت و منابع فراوان و وسیع، نقش مهمی ایفا می‌کند و ظرفیت روبه‌افزایش آن در بریکس و اسکو آشکار است.

۲. کشورهای بریکس و تحولات نظام بین‌الملل

پردازش یافته‌های حاصل از مطالعات داخلی مرتبط با موضوع بریکس و جنبه‌های آن در جدول ۲ درج است:

جدول (۲): جمع‌بندی یافته‌های مطالعات داخلی مرتبط بریکس و جنبه‌های آن

شرح	جنبه
کار ویژه بریکس در چهارچوب اقتصاد سیاسی با هدف تغییر بنیادین نظام بین‌الملل فعلی (به‌عنوان هدف حداکثری) یا حداقل در قالب اقدامی جمعی و انتقادی با هدف تغییر جزئی وضعیت فعلی نگریسته می‌شود. این مطالعات بریکس را ائتلافی مخالف جریان توزیع قدرت بین‌المللی فعلی می‌دانند و در این چهارچوب عملکرد آن را تحلیل می‌کنند.	کار ویژه بریکس
موضوع بریکس با تکیه بر جایگاه و آینده قدرت‌های نوظهور مبتنی بر چندجانبه‌گرایی و امکان تبدیل نظام بین‌الملل تک‌قطبی به چندقطبی متمرکز است. این مطالعات برای روسیه نقش تحول‌خواهی بنیادین در نظم فعلی بین‌الملل با هدف بازگشت به باشگاه قدرت‌های جهانی، برای چین نقش موازنه‌گر اقتصادی در قالب قدرت نرم با هدف تثبیت جایگاه به‌عنوان قدرت بین‌المللی اقتصادی (تحول‌خواهی جزئی)، برای هند نقش پل ارتباطی میان حامیان و مخالفان نظام بین‌الملل فعلی با هدف	جایگاه و آینده قدرت‌های نوظهور عضو بریکس

جنبه	شرح
	<p>ایجاد زیرساخت اقتصادی به سبک چین، و برای سایر اعضا نقش پل ارتباطی منطقه‌ای منطبق با نیازهای اقتصادی و ژئوپولیتیک مدنظر این ائتلاف قائل‌اند؛ از این منظر برای ایران به‌عنوان عضو جدید بر سیاست مبتنی بر انرژی و جایگاه اتحاد برای بی‌اثرسازی تحریم‌ها تأکید می‌شود.</p>
<p>رویکردها و روندهای اصلی</p>	<p>نخست، روند دیپلماسی مبتنی بر قدرت سخت که به‌دنبال تحول بنیادین نظم فعلی و کاهش قدرت حامیان نظام بین‌الملل فعلی است. به‌همین دلیل، در تنشی دائمی و مستمر با آنها دست و پنجه نرم می‌کند. نماد این روند روسیه است.</p> <p>دوم، روند مبتنی بر موازنه غیرتهاجمی برخاسته از قدرت نرم که حاصل مشارکت اقتصادی است. به‌دنبال تحول بنیادین نظم فعلی نیست و صرفاً سهمی از توزیع قدرت بین‌المللی بدون تنش را خواهان است. در اینجا رقابت جایگزین تنش و خصومت می‌شود. نماد این روند چین است.</p> <p>سوم، روند مبتنی بر توازن در سیاست و روابط خارجی میان حافظان و مخالفان نظام بین‌المللی که در وضعیت فعلی به‌دنبال توسعه زیرساخت اقتصادی به دور از تنش و واردشدن به دعوی حامی یا مخالف نظم فعلی است. نماد این روند هند است.</p> <p>چهارم، در چنین شرایطی سایر اعضا مبتنی بر سیاست خارجی و بر اساس منافع و مصلحت ملی، در راستای بهره‌مندی از منافع همگرایی در قالب اقدام جمعی یکی از این سه روند و رویکرد را انتخاب کنند تا بتوانند جایگاهی محکم و باثبات در بریکس به‌دست بیاورند.</p>
<p>نقطه اتصال اعضای بریکس</p>	<p>نقطه اتصال و ویژگی هم‌زمان کشورها در بریکس سه اصل است: نخست، خوش‌بین‌نبودن به وضعیت فعلی جهان بین‌الملل شامل نظام بین‌الملل، نحوه توزیع قدرت بین‌المللی، عملکرد سازمان‌های بین‌المللی جریان اصلی و نظایر آن؛</p> <p>دوم، تمایل به نقش‌آفرینی در نظام بین‌الملل و داشتن سهمی از قدرت جهانی (در قالب تحول و تغییرخواهی جزئی یا بنیادین)؛</p> <p>سوم، تمایل به حضور در اتحادها و ائتلافها با رویکرد اقتصاد سیاسی که خلاف جریان تحت کنترل نظام بین‌المللی فعلی است. کشورهایی که از حذف دلار در مبادلات، از کنار نهادن نظام تعرفه‌ای تجاری با آمریکا و سایر حامیان نظام بین‌الملل فعلی و از کنار نهادن محدودیت اقتصادی مبتنی بر مسائل سیاسی یا حقوق بشری استقبال می‌کنند و درنهایت</p>

شرح	جنبه
به دنبال سبک جدیدی از سازمان‌های بین‌المللی با اعضای برابر در همه شئون هستند (برعکس تبعیضی که اصل حق و تو را در شورای امنیت بر نهادی مانند سازمان ملل متحد تحمیل کرده است).	

منبع: (مروری بر پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده از جمله صادقی، ۱۴۰۳)

۳. پیشینه پژوهش

حضور چین و روسیه که نگاه مبتنی بر الزام به کاهش هژمونی بلوک غرب دارند در بریکس سرمنشأ همکاری میان اعضا و به تدریج جایگاه مهم‌تری را در صحنه نظام بین‌الملل و در زمینه مسائل اقتصاد بین‌الملل به دست آورده است. به نظر، اعضای بریکس با داشتن توانمندی و ظرفیت‌های مختلف سهم بالای در هدایت روندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهان خواهند داشت. در ادامه پاره‌ای مطالعات مرتبط با موضوع آورده شده است:

صالحی و همکاران (۱۴۰۳) با عنوان «سیاست دلارزدایی چین و تأثیر آن بر هژمونی دلار آمریکا» درباره کنش و واکنش چین در سیاست دلارزدایی نشان می‌دهد که اگرچه سیاست دلارزدایی چین تهدیدی بالقوه برای هژمونی دلار است، منتهی تاکنون نتوانسته تسلط ارزی آمریکا را با چالش روبه‌رو کند و به نظر می‌رسد نظم مبتنی بر دلار تا آینده قابل پیش‌بینی ادامه خواهد داشت.

صادقی (۱۴۰۳) با عنوان «نگاه ایرانی به بریکس و تحولات نظام بین‌الملل: رویکرد سنجی مقالات علمی - پژوهشی ایرانی در حوزه روابط بین‌الملل» نشان می‌دهد پژوهشگران ایرانی به موضوع بریکس، نگاهی مبتنی بر اقتصادسیاسی داشته‌اند و استقبال از تغییر بنیادین یا جزئی نظم و نظام بین‌المللی فعلی، تحلیل مسائل مرتبط به بریکس را شکل می‌دهد. این مقاله بر اساس رویکرد چندجانبه‌گرایی و تمایل برای تبدیل شدن جهان تک‌قطبی به چندقطبی نگاشته شده است.

صفری و مرادی‌فر (۱۴۰۳)، به مطالعه «ریسک‌زدایی در روابط چین و ایالات متحده و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای و بین‌المللی» پرداخته‌اند. مهم‌ترین نکته مطالعه نشان از این دارد که در وضعیت کنونی که جهان در حال گذراندن جهانی‌شدن قرار دارد ریسک‌زدایی در روابط چین و ایالات متحده ممکن است به انحصارگرایی و حمایت‌گرایی منجر شود و با افزایش تأثیرگذاری تنش‌های ژئوپلیتیکی، بلوک‌های

اقتصادی دوگانه شکل بگیرد. شکل‌گیری این بلوک‌ها نیز خود به معنای کاهش نقش هژمونی ایالات متحده یا چین است که ممکن است زمینه‌ساز نظم چندقطبی بلوک‌محور شود.

رسولی‌نژاد و هالیل‌اکسی (۱۴۰۳) به موضوع «روندپژوهی توسعه اقتصادی فدراسیون روسیه» پرداخته‌اند. طبق نتایج، دو وجه انرژی و دانش در توسعه روسیه در دو دهه منتهی به سال ۲۰۲۲ روند افزایشی و وجه رفاه روند کاهشی داشته است. این تحول، نشان از ورود اقتصاد روسیه به توسعه دانش‌محور در طول دو دهه اخیر دارد؛ توسعه‌ای که بر پایه فناوری پایه‌ریزی شده و با درنوردیدن جغرافیا و زمان، موهبات توسعه را در سراسر قلمرو جغرافیایی به ارمغان می‌آورد.

نوروزی (۱۴۰۳) با عنوان «تأملی بر عقلانیت نهادی و مجدوبیت کاربردی از بانک توسعه جدید بریکس» نشان می‌دهد قدرت‌های مؤسس بریکس و بانک توسعه جدید تلاش دارند تا با عملکرد مثبت و سازنده در این نهادها و ساختارها، این ساختار جدید را در نظام اقتصادی - مالی بین‌المللی برجسته کنند و پارادایم نهادی رقابتی و مدیریتی را در اداره امور بین‌المللی توسعه تثبیت کنند.

سازمند (۱۴۰۳)، تحقیقی را پیرامون جنوب جهانی و بریکس با محوریت قراردادان دلایل نییوستن اندونزی به بریکس انجام داده است. بر اساس استدلال‌ها، این نتیجه حاصل شده است که اندونزی در نظر دارد بر اساس برنامه ۲۰۴۵ به پنجمین اقتصاد دنیا تبدیل شود و برای تحقق این هدف مهم، باید در چهارچوب چندجانبه‌گرایی و پذیرش اصول و هنجارهای نظام بین‌الملل فعلی عمل کند و از ورود به سازوکارهای قطبی‌ساز پرهیز نماید.

میرترابی و فلاح (۱۴۰۱) با عنوان «چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی» نشان می‌دهد که چین با بهره‌گیری از سازوکار بریکس و بریکس - پلاس، تلاش می‌کند تا از راه نهادسازی و تغییر روابط با قدرت‌های بزرگ، نظم اقتصادی جهان را در طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۰ در راستای منافع خویش متحول کند. این مطالعه بر نگاه ابزاری چین به گروه بریکس و ابتکارهایی که مقام‌های چین در چهارچوب سازوکار بریکس در پیش گرفته‌اند، تأکید می‌نماید.

۴. روش پژوهش

ساده‌ترین شاخصی که می‌توان به‌عنوان معیاری برای امکان‌سنجی ادغام^۱ بین

گروهی از کشورها استفاده کرد، تولید ناخالص داخلی (اندازه اقتصاد) کشورهاست. وقتی کشورها از نظر اندازه اقتصاد و درآمد سرانه به هم نزدیک تر باشند، امکان تجارت بین آنها افزایش می‌یابد (Helpman, 1987, p. 812). در واقع کشورها از نظر اندازه اقتصاد به هم نزدیک هستند و تولیدات متنوع تری را وارد می‌کنند. نتایج تجربی این معیار برای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی مورد تأیید است. برای ارزیابی یک ترتیب تجاری منطقه‌ای و مقایسه آن با دیگر ترتیبات مشابه موفق و کارآمد، دو شاخص عمده که با معیارهای ایجاد و انحراف تجارت ارتباط نزدیکی دارند، استفاده می‌شود: الف) تجانس یا همگونی و نزدیکی شاخص‌های اقتصادی؛ شاخص همگونی اقتصادی^۱ و ب) درجه همگرایی تجاری؛ شاخص شدت تجارت.^۲

الف) همگونی شاخص‌های اقتصادی: از معیارهای موفقیت منطقه‌گرایی، همگونی شاخص‌های به‌ویژه همگونی درآمد سرانه اعضا است. همگونی شاخص‌ها به این معناست که همه اعضا به تناسب از منافع منطقه‌گرایی برخوردار شده و منافع ناشی از آزادسازی در سطح منطقه‌ای به صورت عادلانه بین اعضا توزیع می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۰۰، ص. ۵۱). از نمونه منطقه‌گرایی موفق در دنیا، اتحادیه اروپا است که می‌توان فرایند همگونی را بین اعضای آن مشاهده کرد. برای نمونه، عضویت در اتحادیه اروپا برای ایرلند، پرتغال و اسپانیا باعث شد تا درآمد سرانه آنها از ۶۱، ۴۹ و ۲۷ درصد درآمد سرانه کشورهای بزرگ اتحادیه در اواسط دهه ۱۹۸۰ به ۹۱، ۶۷ و ۳۸ درصد در اواخر دهه ۱۹۹۰ افزایش یابد (بانک جهانی، ۲۰۰۰، ص. ۵۲). این مسئله به خوبی روند همگونی شاخص‌های اقتصادی را بین اعضا نشان می‌دهد. تجربه دیگر کشورها به‌طور خاص کشورهای در حال توسعه، در اغلب موارد خلاف موضوع فوق را ثابت کرده و نشان می‌دهد که این ترتیبات در بین این گروه از کشورها چندان با موفقیت همراه نبوده است. در اغلب موارد، منطقه‌گرایی بین کشورهای در حال توسعه اختلاف درآمد سرانه و سطح توسعه این کشورها بیش از پیش، تشدید شده است. نتایج یافته‌ها حاکی است منطقه‌گرایی بین دو کشور توسعه یافته موجب همگونی درآمد سرانه آنها شده و این فرایند در بین دو کشور فقیر با اختلاف سطح توسعه موجب ناهمگونی بین شاخص‌های اقتصادی آنها می‌شود. به نظر می‌رسد این مسئله به دلیل غالب بودن اثر انحراف تجارت در ترتیبات بین کشورهای در حال توسعه با درجه

1. Economic Convergency Index (ECI)

2. Trade Intensity Index (TII)

توسعه‌ای نامتوازن است.

ب) همگرایی تجاری: از معیارهای موفقیت و کارآمدی ترتیبات منطقه‌ای، درجه ترتیب اقتصادی بین اعضای آن منطقه است. این موضوع از طریق نسبت تجارت درون منطقه‌ای اعضا و دیگر مبادلات اقتصادی درون منطقه‌ای نظیر جریان سرمایه‌گذاری خارجی آنها قابل ارزیابی است. نسبت تجارت درون منطقه‌ای در بین ترتیبات منطقه‌ای موجود در دنیا با یکدیگر اختلاف عمده‌ای دارند. مطالعات نشان می‌دهد که نسبت تجارت درون منطقه‌ای بین اعضا با درآمد بالا به مراتب بیشتر از ترتیبات مشابه بین کشورهای با درآمد پایین است. شدت تجارت به‌عنوان شاخص همگرایی تجاری، از طریق اندازه‌گیری نسبت تجارت درون منطقه‌ای یک کشور به تجارت فرامنطقه‌ای آن و یا سهم آن در تجارت غیرمنطقه‌ای تعیین می‌شود. این نسبت در ارتباط با کلیه اعضای یک ترتیب منطقه‌ای به صورت دسته جمعی نیز قابل اندازه‌گیری است. شاخص شدت تجارت را علاوه بر آنکه می‌توان در ارتباط با کل تجارت یک منطقه به صورت عام به کار گرفت، برای شناخت دقیق‌تر آثار منطقه‌گرایی، می‌توان آن را در سطح جزئی‌تر و در ارتباط با بخش‌ها و یا کالاهای خاص محاسبه کرد (Sheila, 2000, PP. 113-115). اندازه‌گیری شدت تجارت نشان می‌دهد که آیا افزایش تجارت درون منطقه‌ای به بهای کاهش تجارت یک منطقه با دنیا شده و یا آنکه افزایش تجارت به صورت هماهنگ و متوازن اتفاق افتاده است. اندازه‌گیری شدت تجارت، آهنگ رشد تجارت درون و فرامنطقه‌ای را به صورت پویا نشان داده و مشخص می‌کند که آیا در صورت کاهش نیافتن حجم تجارت فرامنطقه‌ای، انحراف تجارت به وقوع پیوسته است یا خیر؟ با فرض ثابت بودن تقاضای جهانی و یا برابر بودن نوسانات آن در داخل و خارج منطقه و ثبات دیگر شرایط، افزایش شدت تجارت در اثر افزایش تجارت درون منطقه‌ای و کاهش سهم منطقه در تجارت جهانی نشانه وقوع انحراف تجارت خواهد بود. در مقابل، در صورت ثابت بودن سهم منطقه در تجارت جهانی و افزایش شدت تجارت به دلیل افزایش تجارت درون منطقه‌ای، اثر ایجاد تجارت در یک ترتیب منطقه‌ای وجود خواهد داشت (Sheila, 2000, P. 115). شاخص شدت تجارت (صادرات) نسبت سهم شریک تجاری به کل تجارت (صادرات) منطقه / کشور و سهم کل تجارت (صادرات) جهانی همان شریک تجاری محاسبه می‌شود. در ادامه نحوه محاسبه شاخص

شدت تجارت (صادرات) به شرح روابط زیر ارایه شده است^۱:

$$THI_{ij} = \frac{t_{ij} / T_{iw}}{t_{wj} / T_{ww}} \quad XII_{ij} = \frac{x_{ij} / X_{iw}}{x_{wj} / X_{ww}}$$

THI_{ij} یا XII_{ij} = شاخص شدت تجارت (صادرات) کشور / منطقه i به کشور / منطقه j ؛ x_{ij} یا t_{ij} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) کشور / منطقه i به کشور / منطقه j ؛ T_{iw} یا X_{iw} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) کشور / منطقه i به کل جهان؛ t_{wj} یا x_{wj} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) جهانی کشور / منطقه j و T_{ww} یا X_{ww} = ارزش دلاری کل تجارت (صادرات) جهانی. روند بلندمدت شاخص شدت تجارت برای کشور / منطقه اگر روبه‌بهبود گذارد، به معنای اهمیت روبه‌افزایش تجارت آن کشور / منطقه در تجارت جهانی (ایجاد تجارت) است و بالعکس اگر روند بلندمدت این شاخص روبه افول / تنزل یابد، گویای کاهش اهمیت تجارت آن کشور / منطقه در تجارت جهانی (انحراف تجارت) است. این شاخص برای جریان دوجانبه و منطقه‌ای تجارت کاربرد دارد.

داده‌های آماری از نهادهای بین‌المللی از جمله کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد) جمع‌آوری، پردازش، تحلیل و ارزیابی شده است؛ منتهی اطلاعات آماری به روز ایران در چند سال اخیر به‌ویژه در وضعیت تشدید تحریم‌ها، مخدوش و ماهیت غیررسمی و پیش‌بینی شده دارد. بنابراین برای تحلیل بلندمدت و مقاطع مختلف سالانه از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ بسنده شده است که برای هدف‌های این نوشتار کافی به نظر می‌رسد. با توجه به نتایج پژوهش، داده‌های خام آماری اقتصاد کلان بین‌الملل از جمله جریان سرمایه‌گذاری خارجی، جریان تجارت بین‌الملل و شاخص‌های همگونی درآمد سرانه بریکس و ایران^۲ از گزارش‌های سالانه تجارت و سرمایه‌گذاری آنکتاد، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول گردآوری شده است.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۵-۱. شاخص‌های کلیدی توسعه اقتصادی

اندازه اقتصاد کشورهای عضو بریکس - پلاس و جایگاه آن در اقتصاد جهانی در دوره

1. Asian Development Bank (2022), Integration Indicators technical notes

۲. بانک جهانی در طبقه‌بندی اقتصادهای جهان ۲۰۲۲ در چهار گروه درآمدی؛ بالا، متوسط - بالا، متوسط - پایین و کم‌درآمد، ایران را در گروه اقتصادهایی با سطح درآمدی متوسط پایین قرار داده است. از علل تنزل موقعیت ایران، رشد پایین و توقف رشد تولید ناخالص داخلی همراه با سقوط ارزش خارجی ریال اشاره کرد (بانک جهانی، ۲۰۲۳).

زمانی شکل‌گیری این اتحادیه از جنبه‌های اندازه، آهنگ رشد سالانه و سهم از اقتصاد جهانی مدنظر است. ساده‌ترین شاخصی که به‌عنوان معیاری برای امکان سنجی ادغام در همگرایی‌های منطقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، اندازه تولید ناخالص ملی کشورها است. وقتی کشورها از نظر اندازه تولید ناخالص ملی به هم نزدیک‌تر باشند، امکان تجارت بین آنها افزایش می‌یابد:

(الف) اندازه اقتصاد (تولید ناخالص داخلی) ۵ کشور اصلی گروه بریکس از ۲,۶۸ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۰، با رشد متوسط سالانه ۱۱,۰۵ درصد، به ۲۴,۲۲ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۱ (۹,۰۵ برابر) افزایش یافته است. همچنین، سهم بریکس از اقتصاد جهانی از ۸,۲۹ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۲۵,۱۷ درصد در سال ۲۰۲۱ (۳,۰۴ برابر) افزایش یافته است. به این ترتیب، در سال ۲۰۲۱ بیش از یک‌چهارم اقتصاد جهان به اعضای بریکس تعلق داشته است. (جدول ۲)

(ب) اندازه اقتصاد کشورهای عضو بریکس - پلاس ۱ از ۳,۴۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۰، با نرخ رشد متوسط ۱۰,۲۴ درصد در سال، به ۲۶,۸۲ تریلیون دلار (معادل ۷,۷۴ برابر) در سال ۲۰۲۱ رسیده است. همچنین، سهم بریکس - پلاس از اقتصاد جهانی از ۱۰,۷۲ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۲۷,۸۶ درصد در سال ۲۰۲۱ (معادل ۲,۶۰ برابر) افزایش یافته است. به این ترتیب، در سال ۲۰۲۱ نزدیک به ۲۸ درصد از اقتصاد جهانی به اعضای بریکس - پلاس تعلق داشته است. ضمن اینکه، طی دوره آهنگ رشد اقتصادی ۵ عضو بریکس (۱۱,۰۵ درصد) به نسبت پُرشتاب‌تر از رشد اقتصادی اعضای جدید بریکس - پلاس (۱۰,۲۴ درصد) بوده است.

۱. تا ابتدای سال ۲۰۲۴ گروه بریکس تنها ۵ عضو اصلی را داشت، بنابراین تا این سال، اساساً بریکس پلاس شکل نگرفته بود. منتهی به‌منظور تحلیل جامع جایگاه کشورهای جدیداً ملحق شده، در طی دوره زمانی بلندمدت مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد.

جدول (۳): شاخص‌های کلیدی توسعه و اقتصاد کلان گروه بریکس - پلاس طی

سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱

جمعیت	تورم	رفاه سرانه		اندازه اقتصاد			شرح	
		شاخص	GDP سرانه	شاخص سهم	سهم	GDP		
								۱۰۰=۲۰۰۰
میلیون نفر	درصد							
۱۷۴,۴		۱۰۰	۳۶۹۶	۱۰۰	۲,۰۰	۶۴۴,۷	۲۰۰۰	برزیل
۱۹۴,۹		۲۸۹,۹	۱۰۷۱۶	۱۶۵,۵	۳,۳۱	۲۰۸۹,۰	۲۰۱۰	
۲۱۴,۳	۸,۳	۲۰۲,۶	۷۴۸۷	۸۳,۵	۱,۶۷	۱۶۰۴,۵	۲۰۲۱	
۱۴۶,۸		۱۰۰	۱۷۶۸	۱۰۰	۰,۸۰	۲۵۹,۴	۲۰۰۰	روسیه
۱۴۳,۰		۵۸۵,۵	۱۰۳۵۱	۲۹۳,۸	۲,۳۵	۱۴۷۹,۸	۲۰۱۰	
۱۴۵,۱	۶,۷	۶۸۹,۹	۱۲۱۹۷	۲۳۰,۰	۱,۸۴	۱۷۶۹,۸	۲۰۲۱	
۱۰۵۳,۹		۱۰۰	۴۴۴	۱۰۰	۱,۴۴	۴۶۷,۸	۲۰۰۰	هند
۱۲۲۴,۶		۳۱۶,۷	۱۴۰۶	۱۸۹,۶	۲,۷۳	۱۷۲۲,۳	۲۰۱۰	
۱۴۰۸	۵,۵	۵۰۷,۴	۲۲۵۳	۲۲۹,۲	۳,۳۰	۳۱۷۲,۲	۲۰۲۱	
۱۲۴۶,۹		۱۰۰	۹۵۷	۱۰۰	۳,۶۹	۱۱۹۲,۸	۲۰۰۰	چین
۱۳۱۸,۲		۵۴۵,۰	۴۳۵۴	۲۴۶,۶	۹,۱۰	۵۷۳۹,۴	۲۰۱۰	
۱۴۲۶	۰,۹	۱۲۶۷,۷	۱۲۱۳۲	۴۸۷,۰	۱۷,۹۷	۱۷۳۰۰,۲	۲۰۲۱	
۴۴,۸		۱۰۰	۲۹۶۹	۱۰۰	۰,۳۵	۱۱۲,۰	۲۰۰۰	آفریقای جنوبی
۵۰,۱		۲۴۴,۴	۷۲۵۵	۱۶۵,۷	۰,۵۸	۳۶۳,۷	۲۰۱۰	
۵۹,۴	۴,۵	۲۱۳,۶	۶۳۴۱	۱۱,۴	۰,۳۹	۳۷۶,۷	۲۰۲۱	
۳۶,۹		۱۰۰	۷۶۹۹	۱۰۰	۰,۸۸	۲۸۴,۳	۲۰۰۰	آرژانتین
۴۰,۴		۱۱۹,۰	۹۱۶۲	۶۷,۰	۰,۵۹	۳۷۰,۳	۲۰۱۰	
۴۵,۳	۴۷,۱	۱۳۷,۹	۱۰۶۱۶	۵۶,۸	۰,۵۰	۴۸۰,۹	۲۰۲۱	
۶۵,۶		۱۰۰	۱۲۴	۱۰۰	۰,۰۳	۸,۱	۲۰۰۰	اتیوپی
۸۳,۰		۲۶۲,۱	۳۲۵	۱۳۳,۳	۰,۰۴	۲۶,۹	۲۰۱۰	
۱۲۰,۳	۲۶,۸	۶۴۵,۲	۸۰۰	۳۳۳,۳	۰,۱۰	۹۶,۲	۲۰۲۱	
۳,۰		۱۰۰	۳۴۳۹۵	۱۰۰	۰,۳۲	۱۰۴,۳	۲۰۰۰	امارات
۷,۵		۱۱۵,۲	۳۹۶۲۵	۱۴۶,۹	۰,۴۷	۲۹۷,۶	۲۰۱۰	متحده
۹,۴	+۰,۲	۱۲۹,۹	۴۴۶۶۳	۱۳۷,۵	۰,۴۴	۴۱۹,۸	۲۰۲۱	عربی
۶۵,۳		۱۰۰	۱۵۹۲	۱۰۰	۰,۳۲	۱۰۴,۰	۲۰۰۰	ایران

شرح	اندازه اقتصاد			رفاه سرانه		تورم	جمعیت
	GDP	سهم	شاخص سهم	GDP سرانه	شاخص		
	B\$	درصد	۱۰۰=۲۰۰۰	دلار	۱۰۰=۲۰۰۰	درصد	میلیون نفر
عربستان سعودی	۲۰۱۰	۰,۶۱	۱۹۰,۶	۵۲۲۷	۳۲۸,۳		۷۴,۰
	۲۰۲۱	۰,۳۷	۱۱۵,۶	۴۰۹۱	۲۵۷,۰	۴۰,۱	۸۷,۹
عربستان سعودی	۲۰۰۰	۰,۵۸	۱۰۰	۹۴۰۱	۱۰۰		۲۰,۰
	۲۰۱۰	۰,۶۹	۱۱۹,۰	۱۵۸۳۶	۱۶۸,۵		۲۷,۴
مصر	۲۰۲۱	۰,۸۶	۱۴۸,۳	۲۳۰۹۶	۲۴۵,۷	۳,۱	۳۶
	۲۰۰۰	۰,۳۰	۱۰۰,۰	۱۴۱۴	۱۰۰		۶۷,۶
مصر	۲۰۱۰	۰,۳۴	۱۱۳,۳	۳۱۶۴	۲۲۳,۸		۸۱,۱
	۲۰۲۱	۰,۴۲	۱۴۰,۰	۳۷۱۵	۲۶۲,۷	۴,۵	۱۰۹,۳
بریکس فعلی	۲۰۰۰	۸,۲۹	۱۰۰	۱۰۰۴	۱۰۰		۲۶۶۶,۸
	۲۰۱۰	۱۸,۰۷	۲۱۸,۰	۳۸۸۷,۸	۳۸۷,۲		۲۹۳۰,۸
بریکس جدید	۲۰۲۱	۲۵,۱۷	۳۰۳,۶	۷۴۴۶,۹	۷۴۱,۷		۳۲۵۲,۸
	۲۰۰۰	۱۰,۷۲	۱۰۰	۱۱۸۳	۱۰۰		۲۹۲۵,۲
بریکس جدید	۲۰۱۰	۲۰,۸۱	۱۹۴,۱	۴۰۴۵,۹	۳۴۲,۰		۳۲۴۴,۲
	۲۰۲۱	۲۷,۸۶	۲۵۹,۹	۷۳۲۵,۲	۶۱۹,۲		۳۶۶۱
جهان	۲۰۰۰	۱۰۰,۰	۱۰۰	۵۲۷۳,۲	۱۰۰		۶۱۲۲,۸
	۲۰۱۰	۱۰۰,۰	۱۰۰	۹۱۴۵,۱	۱۷۳,۴		۶۸۹۵,۹
	۲۰۲۱	۱۰۰,۰	۱۰۰	۱۲۱۷۰	۲۳۰,۸	۴,۸	۷۹۰۹,۳

منبع: (نتایج یافته‌های تحقیق حاضر بر مبنای داده‌های خام آماری UNCTAD, HANDBOOK OF STATISTICS, 2012-2021, 86-97)

پ) آهنگ رشد اقتصادی پُرشتاب گروه بریکس و افزایش سهم چند برابری آن از اقتصاد جهانی، مرهون جایگاه ممتاز چین بوده است. اندازه اقتصاد چین از ۱,۲ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۰، با متوسط رشد سالانه ۱۳,۶ درصد، به ۱۷,۳ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۱ رسیده است و سهم چین از اقتصاد جهانی از ۳,۷ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۸,۰ درصد در سال ۲۰۲۱ (نزدیک به ۵ برابر) افزایش یافته است. با وجود افزایش تعداد و رشد اقتصادی سایر اعضا، سهم چین از کل تولید ناخالص داخلی بریکس از ۴۴,۶ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۷۱,۴ درصد در سال ۲۰۲۱

افزایش داشته است.

ت) بعد از چین، هند در جایگاه دوم بین اعضای بریکس، از نظر اندازه اقتصاد، قرار دارد. اندازه اقتصاد هند از ۴۶۷,۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، با نرخ رشد متوسط نزدیک به ۱۰ درصد در سال، به ۳,۱۷ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۱ رسیده است. سهم هند از اقتصاد جهانی نیز طی این مدت از ۱,۴۴ درصد به ۳,۳ درصد (۲,۳ برابر) افزایش یافته است. این در حالی است که، سهم هند از اقتصاد بریکس از ۱۷,۴۸ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۳,۱۰ درصد در سال ۲۰۲۱ کاهش یافته است، که ناشی از تغییر نامتقارن سهم هند در نتیجه رشد به مراتب سریع‌تر اقتصاد چین می‌باشد.

ث) اندازه اقتصاد دو کشور روسیه (با ۱,۷۷ تریلیون دلار، معادل ۷,۳۱ درصد اقتصاد بریکس) و برزیل (۱,۶۰ تریلیون دلار، معادل ۶,۶۲ درصد اقتصاد بریکس) در مراتب سوم و چهارم قرار دارند. این چهار کشور در مجموع با ۲۳,۸۵ تریلیون دلار معادل ۹۸,۴۴ درصد اقتصاد بریکس را در اختیار دارند. در بین اعضای اصلی بریکس کشور آفریقای جنوبی با اقتصاد ۳۷۶,۷ میلیون دلاری در سال ۲۰۲۱ ضعیف‌ترین عضو گروه به حساب می‌آید.

ج) اندازه اقتصاد اعضای جدید بریکس - پلاس نیز در جدول ۲ ارائه شده است، که به ترتیب از آن عربستان سعودی، آرژانتین، امارات متحده عربی، مصر، ایران و اتیوپی است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اندازه اقتصاد ایران در بین یازده عضو بریکس - پلاس، در جایگاه دهم قبل از اتیوپی قرار دارد و حتی از آفریقای جنوبی هم کوچک‌تر است.

۵-۲ تحولات روندهای بلندمدت تجارت بین‌الملل بریکس - پلاس

تجارت (صادرات و واردات) کالاها و خدمات کشورهای عضو بریکس - پلاس و جایگاه آن در تجارت جهانی در دوره زمانی شکلگیری این اتحادیه از جنبه‌های اندازه، آهنگ رشد سالانه و سهم از تجارت جهانی در بلندمدت مدنظر است. ارزش صادرات ۵ کشور اصلی عضو گروه بریکس از ۴۸۳,۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، با نرخ رشد متوسط ۱۱,۴ درصد در سال، به ۴,۷ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۱ و سهم بریکس از صادرات جهانی از ۷,۵ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۲۰,۹ درصد (۲,۸ برابر) در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. ارزش صادرات کشورهای عضو بریکس - پلاس نیز از ۶۷۰,۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، با نرخ رشد متوسط ۱۰,۶ درصد در سال، به ۵,۵۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۱ بالغ گردید. ضمن اینکه، طی دوره مورد بررسی آهنگ رشد صادرات ۵

عضو اصلی بریکس (۱۱,۴ درصد) به نسبت پُرشتاب‌تر از آهنگ رشد صادرات اعضای جدید بریکس - پلاس (۱۰,۴ درصد) بوده است. ارزش صادرات چین از ۲۴۹,۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، با رشد متوسط سالانه ۱۳,۲ درصد، به ۳,۳۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۱ و سهم چین از صادرات جهانی از ۳,۹ درصد به ۱۵,۱ درصد (نزدیک به ۴ برابر) رسید. اعضای جدید بریکس - پلاس، از نظر شاخص ارزش صادرات به ترتیب عبارت‌اند از: امارات، عربستان، آرژانتین، ایران، مصر و اتیوپی (۴۲۵,۲، ۲۷۶,۲، ۷۷,۹، ۷۱,۶، ۴۳,۶ و ۳,۹ میلیارد دلار است. ایران از حیث ارزش صادرات در بین اعضای بریکس، در رتبه نازل نهم قرار دارد. تراز تجارت کالایی بریکس در سال ۲۰۲۱ رقم چشم‌گیر ۷۴۳,۳+ میلیارد دلار بوده است، که عمدتاً ناشی از تراز تجاری مثبت ۶۷۵,۲ میلیارد دلاری چین است. بین اعضای گروه بریکس، تعداد زیادی با مزاد تراز تجاری کالایی در این سال مواجه بودند؛ از جمله روسیه (۱۸۹,۸+)، عربستان (۱۲۳,۳+)، امارات (۷۷,۷+)، برزیل (۴۶,۱+)، ایران (۲۲,۶+) و آفریقای جنوبی (۹,۶+)؛ و در مقابل تعدادی از اعضا، از جمله هند (۱۷۷,۵-)، مصر (۳۹,۹-) و اتیوپی (۱۳,۰-)، با کسری تراز تجارت کالایی مواجه بوده‌اند.

۳-۵. تحولات روندهای بلندمدت جریان ورود و خروج سرمایه‌گذاری

بریکس - پلاس

اندازه جریان سرمایه‌گذاری خارجی (ورودی و خروجی) کشورهای عضو بریکس - پلاس و جایگاه در سرمایه‌گذاری جهانی از جنبه‌های اندازه، آهنگ رشد سالانه و سهم از سرمایه‌گذاری جهانی در بلندمدت مدنظر است. مطابق نتایج، مطالعه روند جریان‌های ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اعضای فعلی و جدید بریکس - پلاس (۵+۶) و جایگاه یکایک اعضا (سهم، نرخ رشد، موقعیت، شاخص عملکرد) از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ گویای آن است که: کشورهای عضو گروه بریکس - پلاس از جنبه جایگاه و ایفای نقش در جریان سرمایه‌گذاری خارجی به چند دسته قابل دسته‌بندی هستند:

الف) چین با ۱۸۱,۰ میلیارد دلار ورودی و ۱۴۵,۲ میلیارد دلار خروجی جریان سرمایه، به ترتیب با ۱۱,۴۴ و ۸,۵ درصد سهم در جریان ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان، بازیگر کلیدی گروه بریکس و اقتصاد جهانی از این حیث قلمداد می‌شود.

ب) هند، امارات و عربستان در گام نخست، و برزیل در مرحله بعدی بازیگران

متوسط با آهنگ رشد بالا در جریان ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری جهانی محسوب می‌شوند که در دوره مورد اشاره، تجربه عملکرد موفق‌تری داشته‌اند. (پ) روسیه، اتیوپی و ایران با بی‌ثباتی و پیش‌بینی‌ناپذیری در جریان ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری مواجه بودند، که با توجه به عوامل اثرگذار غیراقتصادی از جمله تحریم‌های بین‌المللی به‌خصوص در مورد ایران با فراز و فرود در جریان ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری روبه‌رو هستند. در بین کشورهای عضو گروه بریکس، وضعیت اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی ایران فاصله قابل‌توجهی از ظرفیت‌های بالقوه این کشور دارد، به‌ویژه اوضاع و احوال شاخص‌های ثبات محیط اقتصاد کلان ایران، از جمله رشد اقتصادی و نرخ تورم، نامساعد ارزیابی می‌شود.

۵-۴. تجانس و همگونی درآمد سرانه بلندمدت کشورهای عضو

بریکس - پلاس

تولید ناخالص داخلی سرانه و تجانس و همگونی آن برای کشورهای بریکس - پلاس طی سه مقطع سالانه از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ در جدول (۴) درج است. بررسی اطلاعات جدول نشان می‌دهد که بالاترین درآمد سرانه در بین اعضای بریکس - پلاس، به دو کشور امارات و عربستان تعلق دارد که از ابتدا تا انتهای دوره تولید سرانه آن دو کمابیش نزدیک به هم روبه‌افزایش بوده است. در مقابل، پایین‌ترین تولید سرانه در بین این کشورها، از آن اتیوپی است که با وجود اینکه درآمد سرانه آن طی دوره تا ۶,۵ برابر افزایش یافته است، همچنان فقیرترین عضو است. با حضور اتیوپی میزان ناهمگونی در این گروه به میزان زیادی افزایش یافته و شکاف درآمد سرانه بین ثروتمندترین و فقیرترین عضو گروه تا ۵۶ برابر در انتهای دوره رسید. بالاترین عملکرد درآمد سرانه طی دوره از آن چین، روسیه، اتیوپی و هند است، این کشورها موفق شده‌اند طی دوره تولید سرانه را به‌ترتیب به اندازه ۱۲,۷، ۷، ۶,۵ و ۵ برابر افزایش دهند، این در حالی است که رشد شاخص تولید سرانه بقیه کشورها طی این دوره کمتر از ۳ برابر بوده است. مطابق اطلاعات آماری دو ستون ۵ و ۶ جدول، همگونی تولید سرانه بریکس در مقیاس جهانی طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ به‌طور معناداری بهبود یافته است، چراکه همگونی درآمد سرانه با محوریت جهان (عدد ۱۰۰)، در ابتدا (سال ۲۰۰۰) و انتهای دوره (۲۰۲۱) برای بسیاری از اعضاء از جمله چین از ۱۸ به ۱۰۰، هند از ۸ به ۱۹ و اتیوپی از ۲ به ۷ به‌طور چشم‌گیری بهبود

یافته است که همگونی درآمد سرانه در بین این کشورها را تأیید می‌کند. همچنین شاخص عملکرد درآمد سرانه بریکس از ۱۹ به ۶۱ و برای بریکس - پلاس از ۲۲ به ۶۰ در طی دوره بهبود یافته است. البته بهبود عملکرد درآمد سرانه گروه عمدتاً متأثر از عملکرد درآمد سرانه چین بوده است؛ چراکه نظر به جمعیت بزرگ و افزایش ۱۲ برابری شاخص عملکرد درآمد سرانه طی دوره، چین به تنهایی توانسته شاخص عملکرد درآمد سرانه گروه را تا حدود سه برابر ارتقا دهد.^۱

جدول (۴): تجانس و همگونی در تولید ناخالص داخلی سرانه (GDPPC)

کشورهای بریکس - پلاس طی سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۰۰، و ۲۰۲۱

(واحد ارقام به: دلار جاری، سال پایه ۲۰۰۰=۱۰۰ و شاخص همگونی متوسط جهانی^۲)

شاخص همگونی منطقه‌ای	همگونی منطقه‌ای	شاخص GDPPC	GDPPC	شرح	
۱۰۰	۷۰	۱۰۰	۳۶۹۶	۲۰۰۰	برزیل
۱۶۷	۱۱۷	۲۹۰	۱۰۷۱۶	۲۰۱۰	
۸۹	۶۲	۲۰۳	۷۴۸۷	۲۰۲۱	
۱۰۰	۳۴	۱۰۰	۱۷۶۸	۲۰۰۰	روسیه
۳۳۲	۱۱۳	۵۸۶	۱۰۳۵۱	۲۰۱۰	
۲۹۴	۱۰۰	۶۹۰	۱۲۱۹۷	۲۰۲۱	
۱۰۰	۸	۱۰۰	۴۴۴	۲۰۰۰	هند
۱۸۸	۱۵	۳۱۷	۱۴۰۶	۲۰۱۰	
۲۳۸	۱۹	۵۰۷	۲۲۵۳	۲۰۲۱	
۱۰۰	۱۸	۱۰۰	۹۵۷	۲۰۰۰	چین
۲۶۱	۴۷	۵۴۵	۴۳۵۴	۲۰۱۰	
۵۵۶	۱۰۰	۱۲۶۸	۱۲۱۳۲	۲۰۲۱	
۱۰۰	۵۶	۱۰۰	۲۹۶۹	۲۰۰۰	آفریقای جنوبی
۱۴۱	۷۹	۲۴۴	۷۲۵۵	۲۰۱۰	
۹۳	۵۲	۲۳۴	۶۳۴۱	۲۰۲۱	
۱۰۰	۱۴۶	۱۰۰	۷۶۹۹	۲۰۰۰	آرژانتین

۱. مطابق گزارش صندوق بین‌المللی پول، سرانه تولید ناخالص داخلی گروه هفت کشور ثروتمند و صنعتی جهان (بر پایه برابری قدرت خرید) از اعضای کنونی بریکس بالاتر است. پایین‌ترین سرانه که با ۵۱،۸ هزار دلار متعلق به ژاپن است. همچنان ۴۸،۷ درصد بالاتر از سرانه روسیه عضو شاخص با سرانه نخست بریکس است.

۲. نحوه محاسبه شاخص همگونی منطقه‌ای نسبت به کشور شاخص عضو یا متوسط جهانی محاسبه و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در مطالعه حاضر نسبت به متوسط جهانی سنجیده شده است: $100 * (GDPPC(j) / GDPPC(w))$

شاخص همگونی منطقه‌ای	همگونی منطقه‌ای	شاخص GDPPC	GDPPC	شرح	
۶۸	۱۰۰	۱۱۹	۹۱۶۲	۲۰۱۰	
۶۰	۸۷	۱۳۸	۱۰۶۱۶	۲۰۲۲	
۱۰۰	۲	۱۰۰	۱۲۴	۲۰۰۰	اتیوپی
۲۰۰	۴	۲۶۲	۳۲۵	۲۰۱۰	
۳۵۰	۷	۶۴۵	۸۰۰	۲۰۲۱	
۱۰۰	۶۵۲	۱۰۰	۳۴۳۹۵	۲۰۰۰	امارات
۶۶	۴۳۲	۱۱۵	۳۹۶۲۵	۲۰۱۰	
۵۶	۳۶۷	۱۳۰	۴۴۶۶۳	۲۰۲۱	
۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۱۵۹۲	۲۰۰۰	ایران
۱۹۰	۵۷	۳۲۸	۵۲۲۷	۲۰۱۰	
۱۱۳	۳۴	۲۵۷	۴۰۹۱	۲۰۲۱	
۱۰۰	۱۷۸	۱۰۰	۹۴۰۱	۲۰۰۰	عربستان
۹۷	۱۷۳	۱۶۹	۱۵۸۳۶	۲۰۱۰	
۱۰۷	۱۹۰	۲۴۶	۲۳۰۹۶	۲۰۲۱	
۱۰۰	۲۷	۱۰۰	۱۴۱۴	۲۰۰۰	مصر
۱۳۰	۳۵	۲۲۴	۳۱۶۴	۲۰۱۰	
۱۱۵	۳۱	۲۶۳	۳۷۱۵	۲۰۲۱	
۱۰۰	۱۹	۱۰۰	۱۰۰۴	۲۰۰۰	بریکس
۲۲۶	۴۳	۳۸۷	۳۸۸۸	۲۰۱۰	
۳۲۱	۶۱	۷۴۲	۷۴۴۷	۲۰۲۱	
۱۰۰	۲۲	۱۰۰	۱۱۸۳	۲۰۰۰	بریکس - پلاس
۲۰۰	۴۴	۳۴۲	۴۰۴۶	۲۰۱۰	
۲۷۳	۶۰	۶۱۹	۷۳۲۵	۲۰۲۱	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۲۷۳	۲۰۰۰	جهان
۱۰۰	۱۰۰	۱۷۳	۹۱۴۵	۲۰۱۰	
۱۰۰	۱۰۰	۳۳۱	۱۲۱۷۰	۲۰۲۱	

Source: (World Development Indicators, 2023)

۵-۵. شاخص کارآمدی تجارت درون گروهی کشورهای عضو گروه

بریکس - پلاس

شاخص شدت تجارت آهنگ رشد تجارت درون منطقه‌ای و تجارت فرامنطقه‌ای را

به صورت پویا نشان می دهد. با فرض ثابت بودن تقاضای جهانی و یا برابر بودن نوسانات آن در داخل و خارج منطقه و یکسان بودن دیگر شرایط، افزایش شدت تجارت در اثر افزایش تجارت درون منطقه ای و کاهش سهم منطقه در تجارت جهانی نشانه وقوع انحراف تجارت است. در جدول (۵)، نتایج محاسبات شاخص شدت صادرات از طریق اندازه گیری نسبت صادرات درون منطقه ای به صادرات فرامنطقه ای آن و یا سهم کشور مورد نظر در صادرات غیرمنطقه ای برای بریکس - پلاس ارائه شده است. هرچند سهم صادرات درون گروهی بریکس هنوز در سطح نازلی است و به جز تعدادی از کشورهای با اندازه تجارت کوچک، غالب صادرات اعضاء با شرکای فرامنطقه ای صورت می گیرد، لیکن روند این شاخص بعد از شکل گیری گروه بریکس روبه فزونی گذارده است. بدین ترتیب افزایش سهم بریکس در صادرات جهانی هم زمان با افزایش سهم صادرات درون گروهی بریکس گویای آن است که طی دوره ۲۰۰۱-۲۰۲۱ بهبود در شدت روابط تجاری بریکس منجر به توسعه صادرات جهانی آن شده است (ایجاد تجارت). با وجود این، دامنه سهم صادرات درون گروهی (حداقل ۰,۴۲۹ تا ۰,۴۲۹ واحد در سال ۲۰۲۱ و حداکثر ۰,۷۳۳ واحد در سال ۲۰۲۰)، هنوز پایین ارزیابی می شود. البته موتور محرکه توسعه تجارت گروه بریکس، توسعه تجارت فراگروهی توام با درون گروهی عمدتاً ناشی از رشد پُرشتاب تجارت خارجی چین بوده است.

جدول (۵): همگرایی تجارت کالایی (صادرات) درون گروهی بریکس طی مقاطع

سالانه از ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۲

شرح	۲۰۰۱	۲۰۱۰	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲
صادرات جهانی (میلیارد دلار)	۶۱۳۶,۷	۱۵۰۹۶,۷	۱۷۵۰۸,۱	۲۲۱۴۲,۵	۲۴۶۱۱,۱
ارزش صادرات جهانی بریکس (میلیارد دلار)	۴۹۳,۹	۲۴۷۸,۳	۳۴۹۵,۹	۴۹۴۳,۰	۴۵۰۴,۴
سهم ارزش صادرات جهانی بریکس (درصد)	۸,۰۵	۱۶,۳۸	۱۹,۹۷	۲۲,۳۲	۱۸,۳۰
صادرات درون گروهی بریکس (میلیارد دلار)	۲۱,۲۹	۲۱۱,۲۹	۵۱۱,۶۷	۴۷۳,۳۱	۴۳۴,۲۸
سهم صادرات درون گروهی بریکس (درصد)	۴,۳۱	۸,۵۳	۱۴,۶۴	۹,۵۸	۹,۶۴
شاخص همگرایی صادرات بریکس	۰,۵۳۵	۰,۵۲۱	۰,۷۳۳	۰,۴۲۹	۰,۵۲۷

شرح	۲۰۰۱	۲۰۱۰	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲
شاخص همگرایی صادرات بریکس (۲۰۰۱=۱۰۰)	۱۰۰,۰	۹۷,۲۶	۱۳۶,۹۲۵	۸۰,۱۶۶	۰,۹۸۴

Source: (https://www.trademap.org/Country_SelProductCountry_TS.aspx?nvpm)

۵-۱- همگرایی تجارت (صادرات) و شاخص شدت تجارت ایران با کشورهای عضو بریکس

صادرات کالایی ایران به جهان از ۲۳,۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ ابتدا به ۱۰۸,۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ افزایش و سپس در مسیری خلاف کشورهای عضو گروه بریکس، به حدود ۸۰,۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ سقوط کرده است. بنابراین سهم ایران از صادرات کالایی جهان نیز ابتدا از ۰,۳۹ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۰,۷۲ درصد در سال ۲۰۱۰ افزایش و سپس تا حدود ۰,۳۳ درصد در سال ۲۰۲۲ فرود داشته است. مجموع صادرات ایران به بریکس از ۵۱۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱، ابتدا با رشد متوسط سالانه ۲۸,۹ درصد به ۶,۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰، و سپس با رشد متوسط سالانه ۲۰,۵ درصد به ۲۵,۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است.

سهم بریکس از صادرات ایران از ۲,۱۵ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۶,۳ و ۳۱,۵ درصد در دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۲۱ افزایش یافته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، طی این دو دوره، آهنگ رشد صادرات ایران به اعضای گروه بریکس (۲۸,۹ و ۲۰,۵ درصد) در مقایسه با رشد صادرات ایران به کل جهان (۱۶,۳ و ۶,۰ درصد)، پُرشتاب‌تر بوده است. در این سال‌ها با تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران (همزمان با شیوع کووید-۱۹) صادرات کالایی ایران به عمده کشورهای جهان به شدت کاهش یافته و در مقابل صادرات ایران به کشورهای عضو گروه بریکس، روبه‌افزایش گذاشته است.

شاخص شدت صادرات ایران به گروه بریکس از ۸,۷۵ واحد در سال ۲۰۱۰ به ۹۵,۴۵ واحد در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است. منتهی طی همین مدت سهم ایران از صادرات جهانی از ۰,۷۲ درصد به ۰,۳۳ درصد تقلیل یافته است. کاهش چشم‌گیر سهم ایران از صادرات جهانی هم‌زمان با افزایش صادرات ایران به گروه بریکس، به‌ویژه در سال ۲۰۲۲، گویای آن است که طی دوره اخیر، با وجود اینکه هنوز ایران به گروه بریکس ملحق نشده بود، افزایش شدت صادرات ایران با گروه

بریکس (عمدتاً چین) نه تنها با تغییرات در صادرات جهانی ایران همسو نبوده، بلکه سهم ایران از صادرات کالایی جهان به شدت روبه‌افول گذاشته است (انحراف تجارت). به عبارت دیگر، در نتیجه دیپلماسی غلط اقتصادی و بروز تحریم‌های بین‌المللی، نوعی انزوا و جدایی از اقتصاد و تجارت بین‌المللی برای ایران پیش آمده است که باعث کاهش نقش و سهم ایران در تجارت جهانی شده است.

نکته مهم‌تر اینکه، در مقایسه با سایر اعضای بریکس - پلاس، تنوع شرکای تجاری ایران در توسعه صادرات منطقه‌ای محدودتر شده و صرفاً چین (و با فاصله هند و روسیه) به شریکای تجاری غالب ایران تبدیل شده است.

نتیجه‌گیری

بریکس اساساً یک پیمان توسعه‌ای اقتصادی - سیاسی است تا یک پیمان کاملاً سیاسی. گستره و وسعت جغرافیایی اعضا، جمعیت عظیم کشورهای عضو (اولین بازیگر منطقه‌ای در جهان با بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان)، برخورداری از بیشترین ذخایر نفت و گاز جهان، پتانسیل‌های اقتصادی منطقه، احساس تهدیدات مشترک، برخورداری از فناوری و سلاح هسته‌ای، وجود دو کشور دارای حق وتو در شورای امنیت ملل متحد (چین و روسیه) و نظایر آن، نشان می‌دهد که این گروه قابلیت تبدیل به یک قطب بین‌المللی، نه تنها از نظر جغرافیای سیاسی بلکه از نظر اقتصادی (تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، انرژی و صنایع کارخانه‌ای) را نیز دارد. بلا تردید، رشد روز افزون اقتصادی در کنار تأثیر سیاسی مجموعه اعضا می‌تواند این بلوک را به یک رقیب جدی برای جهان توسعه یافته صنعتی، با محوریت ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا تبدیل کند. در سال ۲۰۲۱ نزدیک به ۲۸ درصد از اقتصاد جهانی به اعضای بریکس - پلاس تعلق داشت. ضمن اینکه، طی دوره آهنگ رشد اقتصادی ۵ عضو بریکس (۱۱,۰۵ درصد) به نسبت پُرشتاب‌تر از رشد اقتصادی اعضای جدید بریکس - پلاس (۱۰,۲۴ درصد) بوده است. آهنگ رشد اقتصادی پُرشتاب گروه بریکس و افزایش سهم چند برابری گروه بریکس از اقتصاد جهانی، مرهون جایگاه ممتاز و نخست چین بوده است. اندازه اقتصاد چین از ۱,۱۹ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۰، با متوسط رشد سالانه ۱۳,۵۹ درصد، به ۱۷,۳۰ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۱ رسیده است. به این ترتیب سهم چین از اقتصاد جهانی از ۳,۶۹ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۷,۹۷ درصد در سال ۲۰۲۱ (نزدیک به ۵ برابر) افزایش یافته است. همچنین، همگونی و تجانس تولید و درآمد سرانه کشورهای بریکس در مقیاس جهانی طی سال‌های ۲۰۰۰

تا ۲۰۲۱ به‌طور معناداری بهبود یافته است. هرچند سهم صادرات درون‌گروهی بریکس هنوز در سطح بسیار نازلی قرار دارد، و به جز تعدادی از کشورهای با اندازه تجارت کوچک، غالب صادرات اعضاء با شرکای فرامنطقه‌ای صورت می‌گیرد، لیکن روند این شاخص بعد از شکل‌گیری گروه بریکس روبه‌فزونی گذارده است.

موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد ایران و ظرفیت‌های آن در حوزه‌های انرژی، ترانزیت و تجارت باعث شده است تا اعضای بریکس توجه ویژه‌ای نیز به ایران به‌عنوان مسیری (بالقوه) برای اتصال شرق به غرب داشته باشند. از این‌رو، در ۲۴ آگوست ۲۰۲۳ ایران به‌همراه ۵ کشور آرژانتین، مصر، اتیوپی، عربستان و امارات، برای عضویت در این گروه دعوت شدند، که پس از پذیرش عضویت، این ۵ کشور از ابتدای سال ۲۰۲۴ رسماً به بلوک بریکس پیوستند. بنابراین در این مقاله با عضویت این کشورها، از این گروه با عنوان «بریکس - پلاس» یاد شده است. پیوستن ایران به بریکس، که هدف اصلی آن ایفای نقش سازنده‌تر در تعاملات بین‌المللی است، می‌تواند فرصت‌های قابل‌توجهی را فراروی دیپلماسی اقتصادی ایران قرار دهد. اندازه اقتصاد ایران در بین اعضای بریکس - پلاس، در جایگاه نهم قبل از اتیوپی قرار دارد و حتی از افریقای جنوبی هم کوچک‌تر است. از طرف دیگر، اقتصاد ایران نیز نظیر اقتصاد روسیه، متأثر از عوامل اثرگذار غیراقتصادی (از جمله تحریم‌های بین‌المللی) با بی‌ثباتی و پیش‌بینی‌ناپذیری در جریان ورودی و خروجی سرمایه‌گذاری مواجه است. علاوه بر این، وضعیت اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی ایران نیز فاصله قابل‌توجهی از ظرفیت‌های بالقوه این کشور دارد، به‌ویژه اوضاع و احوال شاخص‌های ثبات محیط اقتصاد کلان ایران، از جمله رشد اقتصادی و نرخ تورم، در مقایسه با سایر اعضای بریکس - پلاس نامساعد ارزیابی می‌شود. ارزش صادرات ایران به جهان از ۲۳,۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱، با رشد متوسط سالانه ۶,۰ درصد، به ۸۰,۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش داشته است. همانطور که ملاحظه می‌شود رشد ارزش صادرات کلایی ایران در این دوره از همه اعضای بریکس (۱۱,۳۹ درصد) و بریکس - پلاس (۱۰,۵۹ درصد) کندتر بوده است. از سوی دیگر، طی دوره بررسی، آهنگ رشد صادرات ایران به اعضای بریکس در مقایسه با رشد صادرات ایران به کل جهان پُرشتاب‌تر بوده است. در این سال‌ها در نتیجه تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران (همزمان با شیوع پاندمی کووید-۱۹)، سهم ایران از صادرات جهانی با کاهش چشم‌گیر مواجه بوده و در مقابل، صادرات ایران به گروه بریکس افزایش یافته است. این رخداد گویای آن است که، افزایش شدت صادرات ایران با بریکس

عمدتاً چین) نه تنها با تغییرات در صادرات جهانی ایران همسو نبوده، بلکه منجر به کاهش سهم ایران از صادرات جهانی شده و در عمل انحراف تجارت روی داده است. به عبارت دیگر، در نتیجه دیپلماسی اقتصادی ایستا و بروز تحریم‌های بین‌المللی، نوعی انزوا و جدایی از اقتصاد و تجارت بین‌المللی برای ایران پیش آمده است که باعث کاهش نقش و سهم ایران در تجارت جهانی شده است. نکته مهم‌تر اینکه، حتی در مقایسه با سایر اعضای بریکس - پلاس، تنوع شرکای تجاری ایران در توسعه صادرات منطقه‌ای نیز محدودتر شده و صرفاً چین (و با فاصله هندو روسیه) به شرکای تجاری غالب ایران تبدیل شود. از حیث مقایسه تطبیقی سیاست تجاری ایران، بالاترین شکاف در سیاست تجاری ایران با اعضاء مشاهده می‌شود. مطابق نتایج، عامل اصلی شکاف و فاصله بین میانگین ساده و وزنی تعرفه‌های کاربردی ایران مداخلات پُردامنه و وسیع دولت در تجارت، از جمله از طریق حمایت‌ها، قیمت‌گذاری و شکاف نرخ ارز، می‌باشد. ضمن اینکه، مغایرت سیاست تجاری ایران با اعضای بریکس صرفاً به تعرفه‌ها محدود نمی‌شود، بلکه تحریم‌های گسترده بین‌المللی و به موازات آن انواع کنترل‌ها (ممنوعیت‌ها، مجوزها و محدودیت‌ها) بر سیاست تجاری ایران حاکم بوده است. بخش عمده و درون‌زای این مغایرت‌ها نیز ناشی از عدم ثبات اقتصاد کلان است و باعث شده تا سیاست تجاری ایران با شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری فاصله بگیرد.

به‌طور خلاصه ایران به دلیل انزوا از غرب، به‌ویژه از ایالات متحده، سیاست‌های را با اهداف کاهش تحریم‌های اقتصادی، تمرکز بر دستیابی به خودکفایی، سیاست جایگزینی و تغییر جهت به سمت کشورهای شرقی برای اطمینان از تاب‌آوری اجرا کرده است. ایران با وجود تحریم‌ها، ثبات اقتصادی نسبی را حفظ کرده است، اما به دلیل محدود شدن سرمایه‌گذاری‌های جدید، با خطرهای دورافتادن از صنعت و پیری زیرساخت‌ها مواجه است. ایران با مشارکت در همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه، تقویت روابط با چین و روسیه و پیوستن به بلوک‌بندی‌های نظیر بریکس با هدف جذب سرمایه‌گذاری تشکیل اتحادهای جدید و مقابله با تحریم‌ها از طریق ابتکارهای مشترک با چین و روسیه و تلاش برای دلارزدایی و توسعه نظام‌های مالی جایگزین توانسته است به منطقه‌گرایی جدید دست یابد. منطقه‌گرایی جدید با رویکرد منعطف و چندوجهی برای خنثی‌سازی آثار منفی تحریم‌ها و انزوای دیپلماتیکی با بهره‌گیری از مزایای همکاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، اجتناب‌ناپذیر است. با بریکس - پلاس، افزایش صادرات نفت به کشورهای عضو به‌خصوص چین،

جذب سرمایه‌گذاری، افزایش گردشگری و کاهش هزینه‌های زنجیره تأمین برای ایران امکان‌پذیرتر شده است. بریکس فرصت‌های بیشتری را برای ایران فراهم می‌کند تا سبد ارزی را متنوع سازد.

ملاحظات سیاستی

در خاتمه با عنایت به یافته‌های این پژوهش، به‌منظور توسعه اقتصاد بین‌الملل ایران به‌خصوص تجارت درون و فرامنطقه‌ای ایران اقدامات و تدابیر سیاستی، در قالب ملاحظات سیاستی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- اصلاحات سیاستی کلان، برگرفته از اصول دیپلماسی پویای اقتصادی، در جهت ثبات محیط اقتصاد کلان ایران با محوریت رشد و توسعه پایدار و فراگیر و کاهش ریسک‌ها با محوریت نرخ تورم و کنترل تکانه‌های غیراقتصادی،

۲- اصلاحات در سیاست تجاری ایران با هدف‌گذاری برجیدن موانع تجاری غیرتعرفه‌ای و ثبات‌بخشی توأم با منطقی‌سازی تعرفه‌های گمرکی و سایر اقدامات استاندارد تجاری،

۳- ورود به مذاکرات گروهی و دوجانبه با تک‌تک اعضای گروه بریکس - پلاس با هدف بهره‌مندی از ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی بلوک و با تکیه بر اصول دیپلماسی اقتصادی که کشورهای پیرامون ایران در سال‌های اخیر به‌خوبی از آن بهره می‌برند،

۴- نایبستی غافل‌گردید که، در نتیجه عدم توجه به اهداف و چشم‌انداز بلندمدت سیاسی و اقتصادی کشور و غفلت از اصول دیپلماسی اقتصادی، ممکن است پیوستن به بلوک بریکس صرفاً وابستگی ایران به چند اقتصاد بزرگ عضو این گروه (خاصه چین و روسیه) را تشدید کرده و از طریق انحراف تجارت، که به گواه این پژوهش، نمونه بارز آن را در سال‌های اخیر کاملاً آشکار است، به کوچک‌تر شدن تدریجی اقتصاد و تجارت خارجی ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه و جهان در بلندمدت منجر شود.

لذا، پرهیز از تمرکز در مبادلات اقتصادی و تجاری و حرکت به‌سمت متنوع‌سازی طرف‌های تجاری کشور با هدف کاهش ریسک تعاملات تجاری و سرمایه‌گذاری خارجی، برای اقتصاد ایران ضرورت حیاتی دارد.

شایان تأکید مجدد است؛ آنچنانچه تجربه تعاملات ج.ا.ایران با نهادهای جهانی و منطقه‌ای نشان می‌دهد، حضور ایران در مجامع بین‌المللی همواره با غرض‌ورزی

جهان غرب به‌ویژه آمریکا مواجه بوده است. به‌طور مثال تنها پذیرش عضویت ناظر ایران به سازمان جهانی تجارت قریب به سه دهه می‌گذرد و هنوز به عضویت دایم ایران نینجامیده است. اگرچه همگرایی مشهودی میان اهداف گروه بریکس و سیاست خارجی ج.ا.ایران وجود دارد و منطقاً قرارگرفتن در کنار قدرت‌های نوظهور، می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایران در صحنه روابط بین‌المللی را افزایش دهد، اما لازمه بهره‌مندی از منافع اقتصادی این حضور، رفع تحریم‌ها و فراهم‌شدن زیرساخت‌های لازم اقتصادی و تجاری برای برقراری تعاملات اقتصادی مطلوب است.

فهرست منابع

- حسینی، میرعبداله و بزرگی، وحید (۱۳۸۱). شرکای منطقه‌ای ایران و امکان تشکیل هسته مرکزی یک هم‌پیوندی اقتصادی منطقه‌ای. *پژوهشنامه بازرگانی*، ۶(۲۳)، ۳۷-۱.
- حسینی، میرعبداله و هومن، تقی (۱۳۸۶). مطالعه تطبیقی شاخص‌های اقتصاد کلان بین الملل کشورهای عضو اکو در فرایند منطقه‌گرایی. *دانش و توسعه*، (۲۰)، ۱۱-۴۲.
- حسینی، میرعبداله؛ امیراحمدیان، بهرام و نصیرزاد، مهران (۱۳۹۷). مطالعه شاخص‌های توسعه‌ای کشورهای ساحلی خزر در فرایند منطقه‌گرایی. *مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، سال یازدهم، بهار و تابستان، (۱)، ۵۹-۸۰.
- رسولی‌نژاد، احسان (۱۴۰۳). سخن سر دبیر. *مطالعات کشورها (ویژه‌نامه بریکس)*، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، سال دوم، تابستان، (۲)، ۱۸۵-۱۸۷.
- سازمند، بهاره (۱۴۰۳). جنوب جهانی و بریکس: چرایی نپیوستن اندونزی به بریکس. *مطالعات کشورها (ویژه‌نامه بریکس)*، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، سال دوم، تابستان، (۲)، ۳۳۱-۳۵۱.
- صادقی، سجاد (۱۴۰۳). نگاه ایرانی به بریکس و تحولات نظام بین‌الملل: رویکرد سنجی مقالات علمی - پژوهشی ایرانی در حوزه روابط بین‌الملل. *مطالعات کشورها (ویژه‌نامه بریکس)*، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، سال دوم، بهار، (۲)، ۲۴۸-۲۲۱.

ماسالسکی، کارول (۱۴۰۳). واکنش دولت ایران به تحریم‌ها؛ مطالعه موردی: منطقه‌گرایی جدید. *مطالعات کشورها، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران*، (۴)۲، ۵۷۴-۵۵۹.

میرترابی، سعید و مهرداد، فلاح (۱۴۰۱). چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی. *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دانشگاه رازی*، (۲)۵، ۴۱۵-۴۴۶.

نوروزی، حسین (۱۴۰۳). بانک توسعه جدید بریکس: تاملی بر عقلانیت نهادی و مجذوبیت کارکردی. *مطالعات کشورها (ویژه‌نامه بریکس)، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران*، سال دوم، تابستان، (۲)، ۳۲۹-۲۹۹.

Ahmed R.; Abweny M.; Benjasak C. & Nguyen D. (2024). Financial sanctions and environmental, social, and governance (ESG) performance: A comparative study of ownership responses in the Chinese context. *Journal of Environmental Management*, (351), 119718, doi: <https://doi.org/10.1016/j.jenvman.2023.119718>.

Almasi, H. (2012). Investigating status of developing eight (D8) countries' macroeconomic indices in line with developing economic cooperation with Iran. *African Journal of Business Management*, 6(20), 6166. DOI: 10.5897/AJBM11.2440

Asian Development Bank (2022). Integration indicators technical notes. <https://aric.adb.org>. (Accessed on: October 30, 2023).

Barry, Donald & Ronald C. Keith, eds. (1999). *Regionalism, Multilateralism, and the Politics of Global Trade*. Vancouver: UBC Press.

Batmanghelidj, E. (2024). *The limit of Iran's Industrial Resilience*. <https://www.clingendael.org/publication/limit-irans-industrial-resilience> (Accessed on 01 May 2024).

Bne, Intellinews (2024). *BRICS currency is coming soon*. <https://www.intellinews.com/brics-currency-is-coming-soon-iranian-ambassador-325781/> (Accessed on: 21 May 2024).

Brahmbhatt, Milan & Dadush, Uri (1996). Disparities in Global Integration. *Finance and Development*, 33(3).

Chaziza, M. (2020). The impact of U.S. sanctions on Iran's engagement and integration in the Belt and Road Initiative. *Digest of Middle East Studies*, 29(2), 167-182. doi: <https://doi.org/10.1111/dome.12215>.

Ertan, B. & Rashid, Y. (2022). *Iran's permanent membership at SCO: Expectation and reality*. <https://iramcenter.org/uploads/files/>

- IntransPermMemb_v5-190222.pdf (Accessed on: 20 May 2024).
- Harmsen, R. & Leidy, M. (1994). *Regional Trading Arrangements. The Uruguay Round and Beyond*, Background Papers II. https://www.trademap.org/Country_SelProductCountry_TS.aspx.
- Hoekman, B. & Schiff, M. (2002). *Benefiting from Regional Integration, Development, Trade and the WTO*. Washington, D.C: The World Bank. https://en.wikipedia.org/wiki/BRICS#2024_expansion
- Kayhan (2023). *BRICS decides to expand developing bloc*. <https://kayhan.ir/en/news/118647/brics-decides-to-expand-developing-bloc> (Accessed on: 7 June 2024).
- Khajehpour, B. (2024). *Deep data: The Iranian economy in 2024*. <https://amwaj.media/article/deep-data-the-iranian-economy-in-2024> (Accessed on 10 May 2024).
- Kozhanov, NA. (2022). Iran's economy under sanctions: Two levels of impact. *Russia in Global Affairs*, 20(4), 120-140. doi: 10.31278/1810-6374-2022-20-4-120-140
- Rashid, Y. (2022). *The Latest Status of the 25-Year Comprehensive Cooperation Agreement between Iran and China*. <https://iramcenter.org/en/the-latest-status-of-the-25-year-comprehensive-cooperation-agreement-between-iran-and-china-737> (Accessed on: 16 May 2024).
- Sheila, P. (2000). *Regionalism among Developing Countries*. Macmillan Press LTD. Overseas Development Institute. London.
- Söderbaum, F. (2003). *Introduction: Theories of new Regionalism*. Söderbaum F, Shaw TM. (Eds). *Theories of New Regionalism*. New York: Palgrave Macmillan: 1-21.
- Spandler, K. & Söderbaum, F. (2023). Working Paper: Sovereignty and Regionalism: A new Framework. No. 05. Institute on Comparative Regional Integration Studies, UNU-CRIS. https://cris.unu.edu/sites/cris.unu.edu/files/UNU-CRIS_Working-paper_Spandler_and%20Soderbaum_23.05.pdf (Accessed on: 16 May 2024).
- UNCTAD (1995-2022). *Handbook of International Trade and Development Statistics 1994-2022*. New York: UN Publications. (www.UNCTAD.Org)
- UNCTAD (2022). *World Investment Report, FDI/TNC Database*. Geneva: Union Nation Conference Trade And Development. <https://unctad.org/topic/investment/investment-statistics-and-trends>. (Accessed on: October 30, 2023)
- UNIDO (2008). *International Yearbook of Industrial Statistics (IYIS)*. <https://www.unido.org/>. (Accessed on: October 30, 2023)
- Viner, J. (1950). *The Customs Union Issue*. New York: Carnegie Endow.

- World Bank (2001). *Trade Blocs: A World Bank Policy Research Report*.
New York: Oxford University Press.
- World Bank (2022). *World Development Indicators Database 1998-2022*.
www.worldbank.org. (Accessed on: October 30, 2023)
- World Bank (2022). *World Development Indicators Database*.
(www.World Bank.Org/Data/...).
- WTO ITC UNCTAD (2022). *World Tariff Profiles*.
www.wto.org/statistics.